



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

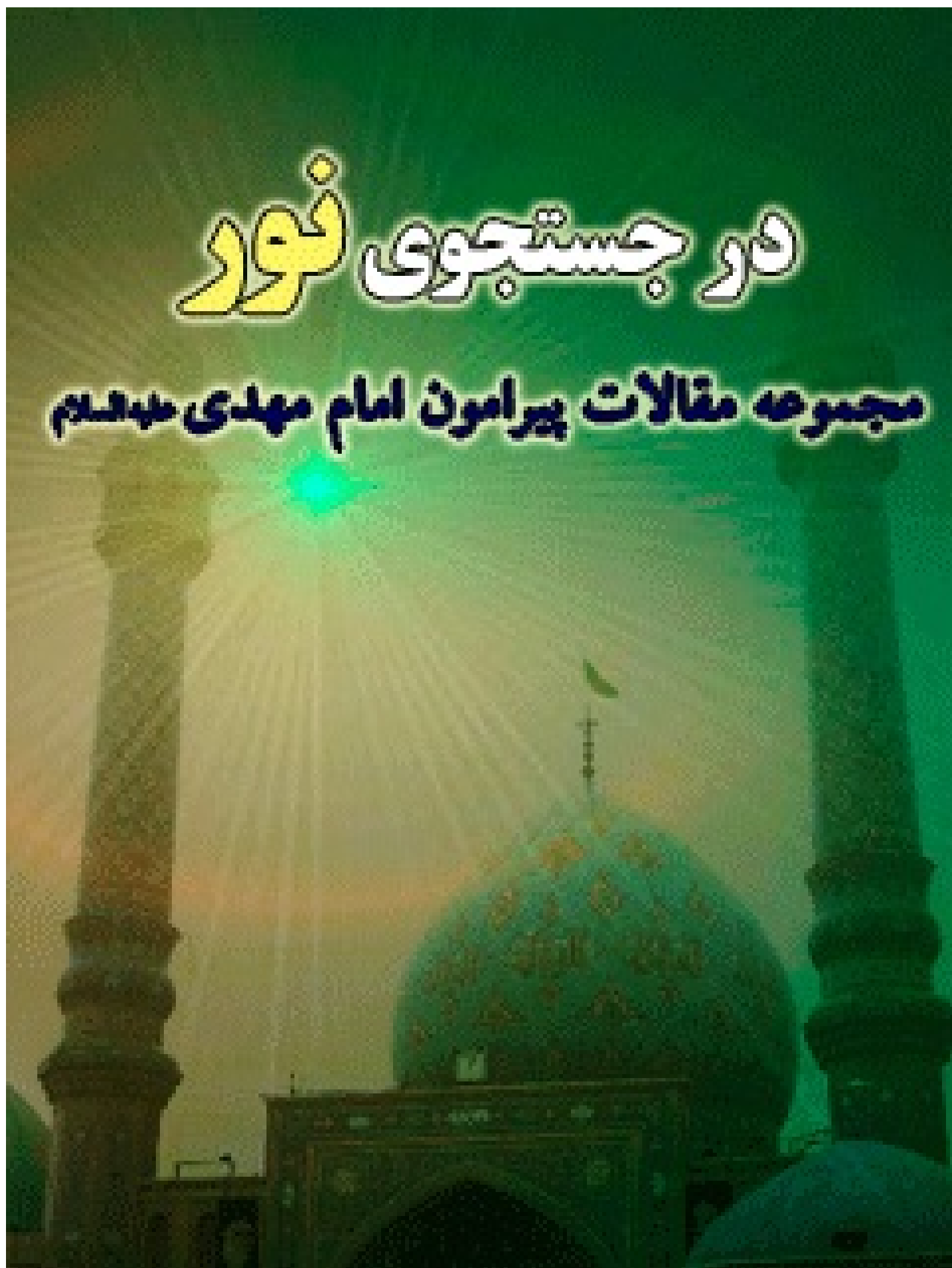


عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

دار جستجوی نور

مجموعه مقالات پیرامون امام مهدی علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در جستجوی نور (مجموعه مقالات پیرامون امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	در جستجوی نور (مجموعه مقالات پیرامون امام مهدی علیه السلام)
۶	مشخصات کتاب
۶	پیشگفتار
۷	باورداشت مهدویت (به قلم آیه الله صافی گلپایگانی)
۷	مقدمه
۱۹	الهام گیری از باورداشت مهدویت
۲۱	اساس عقیده به مهدویت
۲۴	کتابهای مستقل درباره مهدویت
۲۷	اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتابهای جامع حدیث
۲۷	اسامی برخی از مشاهیر از تابعین و غیر آنان
۲۸	اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی از مردان و زنان اصحاب...
۴۴	قیام حضرت مهدی و تشکیل حکومت واحد جهانی (به قلم آیه الله سبحانی)
۴۴	مقدمه
۴۷	قیام حضرت مهدی و حکومت واحد جهانی
۴۹	ویژگیهای حکومت او
۵۰	زمینه های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام
۵۰	اشاره
۵۰	آمدگی جهانیان
۵۰	تکامل خرد و اندیشه انسانی
۵۳	تکامل صنایع
۵۴	ارتش انقلابی جهانی
۵۵	در جستجوی نور (به قلم حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کورانی)
۷۹	درباره مرکز

نتوانسته و نمی توانند ایمان انتظار آفرین، و انتظار امید بخش، و حرکت زاء و جهاد آفرین را تحمل کنند. ما اگر به آینده اسلام، و پیروزی قطعی آن در سراسر گیتی امید بسته ایم، و اگر گسترش عدالت توحیدی را در بین تمامی بشریت

[صفحه ۴]

آرزومندیم، باید مستضعفین را، و مسلمانان را، و حتی بسیاری از شیعیان را، با چنین ایمان و انتظاری، دوباره آشنا کنیم. باید دوباره آن باور دیرین را که در همه ادیان، نسبت به منجی موعود، و در همه مذاهب اسلامی نسبت به مهدی موعود، وجود داشته، احیا کنیم. باید با مراجعه ای دوباره، به مصادر، و کتابهای آنان، این عقیده را که هیچ گاه با آن بیگانه نبوده اند، حیاتی دوباره ببخشیم... و مقالات این کتاب، در این راستا، تحریر گشته است. امید آن که خدای مهربان، شیفتگان و منتظران امام حجه بن الحسن علیه السلام را، در پناه فروزش قرآن کریم، و الطاف و عنایات حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف، در صراط مستقیم ولایت، پایدار و از فتنه های دوران در امان بدارد. آمین رب العالمین!

مسجد مقدس جمکران - قم واحد تحقیقات نیمه شعبان ۱۴۱۶ هجری قمری

[صفحه ۷]

باورداشت مهدویت (به قلم آیه الله صافی گلپایگانی)

مقدمه

ترجمه مقاله ای تحت عنوان العقیده بالمهدیه، از کتاب لمحات فی الکتاب و الحدیث و المذهب، تالیف علامه بزرگوار، حضرت آیه الله صافی گلپایگانی.

بدون شک، عقیده به مهدویت، و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان منجی عالم بشریت، باوری صرفا اسلامی است، که بر اساس کتاب و سنت پدید آمده و همگی مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتفاق نظر دارند و حتی گروهی

از بزرگان و صاحب‌نظران به متواتر بودن [۱] احادیث وارده در این باب، حکم نموده اند. این باورداشت، بعنوان اندیشه ای اسلامی، بر پایه قویترین برهان های نقلی و عقلی استوار است و بررسی تاریخ و شواهد بسیار آن، بهترین تایید بر صحت و متانت آن بشمار می رود و هیچ یک از مسلمانان، چه از شیعیان و چه از اهل سنت، به انکار یا تشکیک در آن نپرداخته است، مگر برخی از تازه به دوران رسیدگانی که تحت تاثیر تبلیغات غریبان قرار گرفته و در دامهای استعمار گرفتار آمده و فرهنگ را جز با انکار الهام و روایات قطعی و یا تعریف و تاویل آن در چهار چوبه مقاصد منکرین دیانت و مادی گرایان، تفسیر و تحلیل نمی کنند. این کژ اندیشان بدین وسیله کوشیدند، تا دری را بگشایند، که اگر -

[صفحه ۸]

خدای نخواست - گشوده گشت، دیگر راهی برای اعتماد بر سنت و استناد به آن و اطمینان به ظاهر کتاب و سنت باقی نمی ماند و آیین شریف اسلام و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس خواسته بدعت گزاران و هواپرستان، دستخوش تغییر و تحریف قرار می گیرد. به راستی اگر چنین روایاتی که بزرگان علم حدیث و کار آزمودگان و نام آوران این رشته در گذشته و حال، به تواتر و قطعی بودن آنها، تصریح کرده اند، بتواند مورد انکار و تردید قرار گیرد، پس وضع و حال دیگر روایاتی که خبر واحد [۲] شمرده می شوند، یا حد اقل در این درجه از اعتبار نیستند، چه خواهد بود؟ گروهی از اندیشمندان اسلامی نسبت به این گونه منحرفین

از کتاب و سنت، که با جرات و جسارت نسبت به ساحت قدس خداوند و پیامبر گرامیش صلی الله علیه و آله، به ایجاد شک و تردید و تحریف، در اصل مسلم مهدویت پرداخته اند، اعلام خطر نموده، و کتابها و مقالاتی را در رد و ابطال نظریات آنان نگاشته اند. آن چه مسلم است، اینکه در پس پرده این توطئه، جز دستهای پلید کسانی که در صدد سست کردن اعتقادات مسلمانان و خدشه دار کردن متون اسلامی هستند، دستی را نمی توان دید. در گذشته همین التزام و اعتقاد و پایبندی مردم به کتاب و سنت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله بود، که دشمنان و استعمارگران را از نفوذ در کشورهای اسلامی باز می داشت و راه سلطه بر این بلاد را بر روی آنان می بست و اکنون نیز بخوبی پیداست که چیزی جز سست شدن همین مبانی اعتقادی و کم شدن پایبندی ها به قرآن مجید و روایات شریفه نیست، که راه نفوذ

[صفحه ۹]

و سلطه را بر بیگانگان گشوده است! - خداوند ما را از فتنه های گمراهان و هواپرستان و مزدوران استعمار، در امان بدارد - خنده آور است که این بی خبران و غرب باوران - که به شدت دور از شناخت حقایق اسلامی و فهم مصالح مسلمینند - در تضعیف باور مهدویت و احادیث مربوط به آن، گاهی به این بهانه تمسک جسته اند، که این عقیده اصولاً از عقاید پیشگامان اهل سنت نیست و در بین صحابه قرن اول هجری و تابعین، ذکری از آن به میان نیامده است. گاهی دایه مهربانتر از مادر شده، این

عقیده را سبب اختلاف و درگیری بین مسلمانان و قیام علیه حکومتها، و موجب تبلیغات سیاسی دانسته اند و گاهی نیز به برخی اختلافاتی که بین پاره ای از احادیث این باب است، استناد کرده اند. [۳] و این همه، از عجیب و غریب ترین نوع استدلالاتی است که در رد سنت شریف نبوی صلی الله علیه و آله به آن تمسک شده است: از آن رو که اولاً: بر وقوع ذکر این عقیده بین صحابه و تابعین صدر اول اسلام، و بر اینکه خود پیامبر صلی الله علیه و آله، اولین پایگاه برای نشر عقیده به مهدویت در بین مسلمانان بوده اند، چه دلیل قوی تر و محکم تر از وجود خود این احادیث متواتره، در اصلی ترین و معتبرترین کتابهای اهل سنت؟! و چه برهانی روشن تر از اجماع علمای مسلمین، و اینکه آنان هیچ کس از مدعیان مهدویت را با استناد به عدم صحت ظهور مهدی علیه السلام رد نکرده اند، بلکه در رد ادعای او، به عدم وجود صفات و نشانه های خاص مهدی علیه السلام در او استناد کرده اند.

[صفحه ۱۰]

چنانکه حکایت محمد بن عجلان با جعفر بن سلیمان و آنچه فقیهان و اشراف اهل مدینه درباره آنان گفته اند، شاهدی آشکار در این زمینه به شمار می رود. [۴] پس اگر این همه احادیث، با توجه به فراوانی و تواتری که دارند، و با عنایت به اجماع و اتفاقی که از ناحیه علمای اسلامی بر مضمون این احادیث صورت گرفته است، نتواند دلیل بر صحت و استواری عقیده به مهدویت باشد! پس به کدامین دلیل می توان استناد کرد؟

و درستی انتساب کدامین عقیده اسلامی به صحابه و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می توان اثبات نمود؟ ثانیاً: شاید هرگز هیچ عقیده و یا اصلی را نتوان یافت، که بر سر آن اختلاف و درگیری و نزاع، صورت نگرفته باشد. حتی می توان گفت که پیرامون مسائل خداشناسی و نبوت پیامبران الهی علیهم السلام نیز، نزاع ها و درگیریها، بیش از مسئله مهدویت به وقوع پیوسته است. چنانکه بین مکتب اشاعره و غیر آنان، و بین پیروان مذاهب شافعی، حنفی، حنبلی، مالکی و غیر آنان، درگیریها بلکه جنگهای خونین بسیار، اتفاق افتاده است. بلکه می شود گفت: بر سر مفاهیمی همچون عدالت و امنیت و سایر مفاهیمی که همه انسانها بر لزوم آن، اتفاق نظر دارند، و بر سر تحقق آنها، و یا دفع کسانی که آنها را وسیله ای برای مقاصد سیاسی خویش قرار می دادند، جنگهای خانمان برانداز و معرکه های خونینی، در گرفته است و چه بسا که تعداد قربانیان بشریت، که به اسم اقامه حق و رعایت عدالت و برابری و حمایت از آزادی انسان و حقوق

[صفحه ۱۱]

او به خاک و خون غلطیده اند، بیشتر از تعداد قربانیان هر موضوع و عنوان دیگری باشد! نتیجه اینکه، پوشیده شدن حق به باطل، و عرضه باطل به جای حق، اگر چه از طرف اهل باطل و منحرفین، زیاد انجام می پذیرد، لکن به حق ضرری نمی رساند و خدشه ای وارد نمی کند. چنانکه خداوند بزرگ می فرماید: بلکه ما، حق را بر باطل می افکنیم تا آن را درهم شکافد و باطل را نابود گرداند، آن زمان باطل

از بین رونده و باطل شدنی است. و وای بر شما، از آنچه درباره خداوند توصیف می کنید. [۵] علاوه بر اینکه باید توجه داشت که فریب خوردن عوام، و قبول ادعای دروغین دجال گونه های مدعی مهدویت [۶] توسط آنان، در بیشتر موارد، به خاطر عدم آشنایی آنان به نشانه های حضرت مهدی علیه السلام و نسب شریف ایشان، و ویژگیهای خاصی است، که برای ایشان در احادیث مختلفه، [۷] مورد تصریح قرار گرفته است و گر نه، در این باب، جایی برای گمراهی و گمراه ساختن دیگران، وجود ندارد. این وظیفه علما و اندیشمندان است، که عقیده به مهدویت را تبیین کنند و هدفهای آن را به مردم بشناساند و ویژگیها و نشانه هایی را که به وسیله آنها حضرت مهدی موعود علیه السلام از دغل پیشگان مدعی مقام مهدویت باز شناخته می شود، برای توده مسلمان بر شمارند و توضیح دهند. ثالثاً: یکی از فرقهایی که بین احادیث متواتره و غیر متواتره [۸] وجود دارد، این است که: در متواتر لفظی تفصیلی [۹] یقین و باور

[صفحه ۱۲]

قطعی نسبت به صدور آن حدیث معین از ناحیه معصومین علیهم السلام - به عین همان کلمات و الفاظ موجود در متن حدیث - حاصل می شود و در چنین حدیثی ممکن نیست اختلاف و تعارض ایجاد شود، مگر توسط حدیث متواتر دیگری، که با همین خصوصیات، مفاد و معنایی خلاف [۱۰] حدیث اول داشته باشد، که در این صورت باید بوسیله ایجاد موافقت بین دو معنا، و جمع بین دو حدیث، بوسیله حمل عام بر خاص - تخصیص عام - و یا حمل مطلق بر

مقید - تقیید مطلق - و یا حمل ظاهر بر اظهر - تقدیم اظهر - و مانند اینها، تنافی و اختلاف ظاهری و ابتدایی بین دو روایت را حل کرد. اگر چنین جمعی ممکن نبود، ظاهر هر دو روایت، از اعتبار ساقط گردیده و هیچ کدام صلاحیت برای استناد حکمی به آن را، نخواهد داشت. اما در متواتر اجمالی [۱۱] اختلاف و تعارضی که در عبارات و متون احادیث هست، مشکلی ایجاد نمی کند، بلکه به آن روایتی که از همه روایتهای آن مجموعه، اخص است و شمول کمتری دارد، اخذ می شود. اما در متواتر معنوی [۱۲] به قدر مشترک همه احادیث و مضمونی که در همگی آنها تکرار شده و مورد اتفاق کل آن مجموعه است، اخذ می شود. بنابر این، اختلاف داشتن متن و مضمون احادیث، زیانی به متواتر بودن آنها نمی زند. بلکه در احادیث غیر متواتر نیز، این اختلاف متن، ضرری به صحت آن حدیث صحیحی که بین

[صفحه ۱۳]

آنهاست، وارد نمی کند. زیرا در آن صورت هم روایت صحیح تر، و روایتی که به خاطر مطابقت مضمون آن با کتاب یا سنت قطعی یا به خاطر قوی بودن متن حدیث، یا به خاطر تایید مضمون آن توسط شواهد و قراینی خاص، نسبت به حدیث دیگر متعارض با آن، رجحان و برتری دارد، مورد عمل قرار می گیرد. این امور را، جز کسانی که در علم حدیث شناسی، دارای تجربه و مهارت کافی باشند، باز نمی شناسند و اگر جز این بود و به خاطر کمترین تعارض و اختلافی باید همه احادیث متعارض، کنار گذاشته می شد، لازم بود که کلیه

روایات یا حد اقل اغلب آنها، از درجه اعتبار ساقط باشند، که نتیجه اش تغییر چهره دین اسلام، در اکثر احکام شرعی و دستورات فقهی بود. زیرا کمتر موضوعی در عقاید و احکام و تاریخ و تفسیر قرآن کریم و مانند آنها پیدا می شود، که احادیث وارد شده در آن موضوع، بدون اختلاف و تعارض باشند، اگر چه تعارضی ناپایدار به عموم و خصوص یا اطلاق و تقیید. بنابر این، در از بین بردن این تعارضات ابتدایی، که در گفتگوهای عادی مردم نیز وجود دارد، و در تشخیص حدیث درست از نادرست، و حدیث قوی از ضعیف و روایت معتبر از غیر معتبر، تنها راه اینست که به قواعد و مقرراتی که در نزد عقلا و اندیشمندان، معتبر است، استناد گردد و به خبرگان و اشخاص صلاحیت دار، رجوع شود و بدین وسیله، بعضی احادیث را به بعضی دیگر بازگردانده، و در صورت امکان جمع بین روایات، و عمل به روایتی که از نظر سندی یا مضمونی، قوت و متانت بیشتر دارد، یا با قرآن کریم و سنت ثابت

[صفحه ۱۴]

شده و مانند آن، موافقت است، به این قاعده عمل شود و از رد کردن روایت و نادیده گرفتن آن، خودداری گردد. نتیجه کلام اینکه، اخبار و روایاتی که درباره مهدویت از معصومین علیهم السلام وارد شده، همگی باید در پرتو چنین قواعدی، بحث و بررسی شود. که چنانچه احادیث متواتره ای داریم مورد عمل قرار گیرد و در اخبار غیر متواتره نیز بعضی به بعضی تقویت شده، و برخی، برخی دیگر را تفسیر کند و اگر خبر ضعیفی هم هست، ملاحظه شواهد و قرائن

و بقیه موارد تایید معتبر، در آن شود. از این رو می توان گفت: هیچ کسی احادیث وارده در باب عقیده به مهدویت را مردود و شبهه دار نمی پندارد، مگر ناآگاهان به صناعت حدیث شناسی، یا آگاهانی که تحت تاثیر تبلیغات باطل و فتنه های گمراهی آفرین استعمارگران، با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به دشمنی برخاسته اند.

پاورقی

[۱] متواتر به معنی پیایی. در اصطلاح حدیث شناسی به احادیث متعدده ای گفته می شود، که روایت کنندگان آن در هر طبقه، به گونه ای زیاد باشند، که از مجموع روایات آنها علم عادی به صدور آن کلام، از معصوم علیه السلام حاصل آید. به عبارت دیگر اختلاف راویان و تعدد آنها در نقل یک خبر از معصوم علیه السلام به حدی باشد که توافق آنان بر کذب و همدستی آنان در جعل خبر ممکن نباشد.

[۲] خبر واحد خبری است که نقل کننده آن یک یا چند راوی باشد. تا آنجا که به حد تواتر نرسیده باشد. و در اصطلاح حدیث شناسی تقسیم بندیهای مختلف، و اقسام گوناگون دارد. مشهورترین اقسام آن در رابطه با راوی عبارتند از: صحیح، حسن، موثق و ضعیف.

[۳] از جمله این اختلافات، اختلاف بر سر نام پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام است که در پاره ای از روایات اهل سنت عبارت اسم ابیه اسم ابی به حدیث مشهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسمه اسمی و کنیه کنیتی افزوده شده است. به این معنا که نام مهدی هم نام من، و کنیه او همانند کنیه من، و اسم پدر او مانند اسم پدر من است. و

یا اختلاف بر سر زمان تولد، و مدت عمر، و علامات قبل از ظهور، که همگی این موارد در خود مدارک اهل سنت، قابل بررسی، و نظر مشهور شیعه، بر طبق احادیث وارده در همان کتابها، قابل اثبات است.

[۴] جریان محمد بن عجلان در صفحه ۱۷۴ از کتاب البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان نقل شده است. محمد بن عجلان یکی از فقهای مدینه بود، که در زمان حکومت بنی عباس با مردم بنام محمد بن عبدالله محض که از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام بود، بیعت کرد. منصور، خلیفه عباسی که بسیاری از سادات حسنی را به جرم مخالفت با دستگاه حکومت، کشته بود، محمد بن عجلان را احضار کرد. و بعد از تحقیق درباره بیعت او با محمد بن عبدالله، دستور داد، دست او را ببرند. و گفت: این دستی که با دشمن من بیعت کرده است، باید پریده شود. فقهای مدینه وساطت کردند و گفتند: این مرد تقصیری ندارد، چون فقیه است و بر طبق روایات خیال کرده که محمد بن عبدالله بن محض مهدی امت است. از این رو با او بیعت کرد و قصد دشمنی با تو را نداشته است.

[۵] (آیه ۱۸ سوره انبیاء) بل نقذف بالحق علی الباطل، فیدمعه. فاذا هو زاهق، و لکم الویل مما تصفون.

[۶] تعداد کسانی که در طی تاریخ اسلام، ادعای مهدویت داشته و به انگیزه های مختلف به دروغ خود را قائم آل محمد صلی الله علیه و آله معرفی کرده اند، یا برخی از مریدان آنها، این عنوان را به دروغ برایشان تبلیغ و ترویج کرده اند، بیش از پنجاه نفر می باشد.

[۷]

برای شناختن این خصوصیات، از حیث اصل و نسب، و سیمای ظاهری، و کیفیت اخلاق و رفتار، و از حدیث علامات و معجزات، و نحوه ظهور و حکومت آن بزرگوار، می توان به کتابهایی که در این باب، نوشته شده است، همچون مهدی موعود، منتخب الاثر و... مراجعه نمود.

[۸] غیر متواتر، اعم از خبر یک یا چند راوی، و اعم از اینکه قرآینی بر صحت و صدور آن از معصوم علیه السلام وجود داشته، یا نداشته باشد، تعبیری دیگر از همان خبر واحد است.

[۹] احادیث متعدده ای که با اسناد گوناگون، و بوسیله راویان مختلف، از هر یک از معصومین علیهم السلام نقل شده اند، اما همگی آنها از حیث مضمون و لفظ، کاملا- یکسان بوده و در تعبیر و کلمات، هیچ اختلافی باهم ندارند. چنانکه همه این راویان، اتفاق دارند بر این که: از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیدم، که فرمود: انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی.

[۱۰] این مخالفت بین دو حدیث متواتر، به گونه ای نیست که باهم تضاد و تناقضی داشته باشند. بلکه یکی از آن دو بعنوان شرط یا قید یا خصوصیتی زاید بر دیگری، قابل جمع با آن می باشد.

[۱۱] احادیث متعدده ای، که اگر چه در الفاظ و تعبیرشان، اختلافاتی وجود دارد، اما به خاطر کثرت راویان، به گونه ای هستند، که می توان علم اجمالی پیدا کرد، که حد اقل یکی از آنها، با همین الفاظ و کلمات وارده در حدیث، از معصوم علیه السلام صادر گردیده است. مثلا در بعضی از این گونه روایات آمده است که: خبری که راوی مومن آن را

نقل کرده باشد حجت است. و در بعضی دیگر آمده است: خبری که راوی آن راستگو باشد حجت است. در بعضی دیگر آمده است: خبری که روایت کننده آن عادل باشد حجت است. در اینجا علم پیدا می کنیم که حداقل یکی از این روایتها، صحیح و صادر شده از معصوم است. حال در این میان، روایتی را که خاص تر از بقیه روایات است، و شمول کمتری دارد، و به عبارت دیگر بقیه روایات هم آن را بنوعی تایید می کنند، اختیار کرده و به مضمونش عمل می نماییم. که در مثال مذکور، آخرین دسته این روایات، یعنی حجت بودن خیر عادل است. زیرا اگر راوی عادل باشد حتما مومن و راستگو هم هست. و دو دسته قبلی آن را شامل می شوند.

[۱۲] مجموعه ای از احادیث، که همگی بر معنایی خاص، یا حکمی معین، دلالت مشترک دارند، اگر چه در الفاظ و تعابیر، با یک دیگر اختلاف دارند. به شکلی که در بین این مجموعه، هیچ حدیثی را نتوان یافت که بطور قطع و یقین، مضمون و متن و الفاظش همگی از ناحیه معصوم علیه السلام صادر شده باشد. مثل روایتهایی که درباره کیفیت جنگهای امیرالمومنین علی علیه السلام با الفاظ و تعابیر و مضامین گوناگون وارد شده اند، ولی همگی آنها در اثبات شجاعت بی نظیر برای مولا علی علیه السلام متفق هستند. و مثل حکایات فراوان، و نقل های متفاوتی که درباره بخشش و کرم حاتم طائی در کتابهای مختلف وجود دارد، که از همگی آنها، به آنچه که قدر مشترک و مضمون عام بین همه آنهاست، یقین و علم

قطعی پیدا می شود. و آن، وجود حاتم در زمانی از زمانهای گذشته، و دارا بدون جود و بخشش بسیار توسط او می باشد.

الهام گیری از باورداشت مهدویت

بر کسی پوشیده نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام، عقیده ای است که امید می آفریند، و نشاط و تلاش ایجاد می کند. سستی و ناامیدی و کسالت را از بین می برد. حرکت‌های اصلاحگرانه و اسلام خواهانه را تشویق می کند، و جانهای شورنده بر استکبار و استضعاف را تقویت می نماید. اسلام، هنوز به کمال اهداف خویش نرسیده و به مرحله تحقق همه آرمان هایی که برای جامه عمل پوشاندن به آنها، آمده است،

[صفحه ۱۵]

دست نیافته، آینده، از آن اسلام است و ناگزیر باید روزی فرا برسد که اسلام عزیز بر همه گیتی، حکم روا باشد، و همه ستمگری ها و حق کشی ها را از بین ببرد. دنیا، بزودی به دامن اسلام، پناه خواهد آورد، و نیاز دنیا به اسلام، هر روز ظاهرتر از روز پیش، به چشم می خورد. نور اسلام، هر روز روشن تر، و پرتوش هر روز درخشان تر از قبل، در همه دنیا احساس می شود. شکست نظامهای استکباری رایج و فروپاشی احزاب شرک آلود غیر انسانی، و عدم موفقیت برنامه های اقتصادی و سیاسی آنان، در گسترش امنیت و آسایش مردمی، و ناکام ماندن این سیاستها در تحقق اهداف انسانی، و از بین بردن جهل و ستم و کینه جوئی ها و نژاد پرستی ها، روز به روز، دلها را برای قبول اسلام آماده تر ساخته، و مردم دنیا را برای پذیرش برنامه های الهی آن - که یگانه راه

حل مشکلات بشریت است - مشتاق تر می سازد. بشریت سرگردان امروز، هرگز گمشده خود را در نظامهای شرقی و غربی نیافته و نخواهد یافت. بلکه این نظامها و مکتبهای غیر الهی، برای انسان امروز دست آوردی جز فروماندگی بیشتر و دشوارتر شدن کارها و مشکلات، و فزونی فحشاء و منکرات و فساد، و گردن فرازی، و استکبار، نداشته است. اعتقاد به مهدویت درک ما را نسبت به کرامت انسان بیدار می کند و این باور را که زمین، نه از آن ستم پیشگان و استعمارگران، بلکه از آن خداست، و فرجام کار برای تقوی پیشگان است و خداوند

[صفحه ۱۶]

آخرین پیامبر و رسول گرامیش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با هدایت و آیین حق، برای غلبه بر تمامی ادیان تاریخ فرستاده است، تقویت می کند و دوستی حقیقت و عدالت، و نیکوکاری را در دلهای ما، جای می دهد و ما را برای برتری بخشیدن به کلمه توحید، و بر پا داشتن حدود الهی، و اجرای حکم و قانون اسلام، به نهضت و قیام و می دارد و پیوند ما را با مبادی و اصول اسلامی پایدار می سازد و در عمل به مسئولیت هایی که بر عهده داریم مورد بازخواست قرار می دهد. خدای تبارک و تعالی - که راستگوترین است - در این باره می فرماید: اوست که رسول گرامیش را با هدایت و آیین حق، فرستاد تا آن را بر همه دین ها برتری بخشد. اگر چه ناخوشایند مشرکین باشد. [۱] و می فرماید: خداوند به کسانی که ایمان آورند و عمل شایسته انجام دهند، وعده داده

است که آنان را در زمین به خلافت رساند، چنانکه پیشینیان آنان را، خلافت بخشید، و دینی را که بر ایشان پسندیده است اقتدار و تمکین دهد، و ترس و هراس را به آرامش و امنیت تبدیل کند، تا تنها مرا بپرستند. و چیزی را شریک و همتای من قرار ندهند. و هر کس بعد از آن، کفر ورزد از فاسقان بشمار آید. [۲] و چنانکه می فرماید: ما می خواهیم بر مستضعفین زمین منت گزاریم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان زمین قرار دهیم. [۳] و چنانکه می فرماید: کلمه و تقدیر ما، از ابتدا درباره بندگان رسالت یافته خود - قبل از انگیزش آنان به

[صفحه ۱۷]

پیامبری - بر این قرار گرفته، که همانا آنان یاری شدگانند و لشکریان ما پیروزمند و غلبه یافته گانند. [۴].

پاورقی

[۱] (آیه ۳۳ سوره توبه) هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون.

[۲] (آیه ۵۵ سوره نور) وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً، و من کفر بعد ذلك فاولئک هم الفاسقون.

[۳] (آیه ۵ سوره قصص) و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین.

[۴] (آیات ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳، سوره صافات) و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین، انهم لهم المنصورون، و ان جندنا لهم الغالبون.

اساس عقیده به مهدویت

اساس در عقیده به مهدویت، و غلبه اسلام بر تمامی ادیان، و منتهی شدن سیر طبیعی دنیا، به حاکمیت

اسلام و فرامین الهی، و یگانه شدن قوانین و نظامهای موجود، و خلافت مومنان و شایستگان در زمین، و تبدیل ترس و هراس بشریت به امان و امنیت، و نابودی همه مظاهر استضعاف و استکبار، همگی در همان نیروی اولیه ای است که به طرزی شگفت، برای نابودی همه مظاهر شرک و استکبار، و آزادسازی انسان از سلطه طواغیت، و خارج ساختن بشریت از ذلت بندگی مردم، به عزت بندگی خداوند، در نهاد دعوت اسلام، و باور توحیدی و کلمه اخلاص، به ودیعت نهاده شده است. اینکه می بینیم دنیا در سیر خویش بسوی جامعه ای یگانه و بین المللی، و ادغام بعضی جوامع در بعضی دیگر، و کاستن امتیازات سیاسی و نظامی و نژادی، در حرکت است، و دانش و پیشرفت صنعتی، یگانه شدن بشریت، و یکی شدن اقوام و ملیت های مختلف را میسر ساخته است و توسعه ارتباطات و پیوندهای بین ملت ها و قومیت های گوناگون، آنان را مانند اهل شهری بلکه محله ای واحد قرار داده است، همگی زمینه ساز آینده ای درخشان، بر اساس تعالیم اسلام و قرآن بشمار می رود. یعنی همان طور که بشریت جامعه های قبیله ای را پشت سر نهاده و در حرکت خویش، به تاسیس جوامع شهر نشین،

[صفحه ۱۸]

بر اساس وحدت منطقه، یا منافع سیاسی، یا اقتصادی، یا نژادی رسید که هر کدام خواستار غلبه و تسلط بر دیگری است، یقیناً در همین سیر رو به رشد، روزی از این حکومت های جزئی و وحدت های ناچیز رهایی یافته و به وحدتی بزرگ و حکومتی الهی و جهانگیر که هیچ اختصاصی به فرد یا طائفه

یا منطقه یا نژادی مخصوص، نخواهد داشت، دست پیدا خواهد کرد، که همانا حکومت اسلام و قرآن است، حکومتی که همگان را شامل می شود و همه در آن مساویند. ما مسلمانان، همچنان که همه خیرهای غیبی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را باور داریم و چنانکه به فرشتگان خدا و کتابها و پیامبران او ایمان داریم و آنچه را که از جزئیات و تفاسیل معاد و بهشت و دوزخ و مانند آن - که جز بوسیله وحی و خبر دادن پیامبر صلی الله علیه و آله قابل اثبات نیست - به ما خیر داده اند، تصدیق می کنیم. همین طور به وعده خداوند نیز که آن را در کتاب مجیدش خطاب به ایمان آوردگان و همه بشریت بیان فرموده و ما را از زبان پیامبران و رسولانش نسبت به آن بشارت بخشیده، و پیامبر راستگو و امین ما، آن را به آگاهی ما رسانده است، ایمان داریم. و نسبت به تحقق این وعده الهی در وراثت صالحان و حکومت اسلام و قرآن در تمام جهان، تردیدی به خود راه نمی دهیم. و از خدا می خواهیم که ما را بر این عقیده و بر تمام مبادی و اصول اسلامی و باورهای اصیل و صحیح، پایدار و ثابت قدم بدارد. پروردگارا بعد از اینکه ما را هدایت فرمودی، ضلالت و گمراهی را به دلهای ما راه مده، و از جانب خویش رحمتی

[صفحه ۱۹]

خاص به ما عنایت کن، که همانا تو بسیار بخشنده و عنایت کننده ای [۱].

پاورقی

[۱] (آیه ۸ سوره آل عمران) ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب

کتابهای مستقل درباره مهدویت

دانشمندان اسلامی همواره به روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام، اهمی خاصی داشته و در استخراج و تحقیق و رساندن آنها به جامعه، و محکم کردن ایمان به آنها در قلوب مردم، سعی و تلاش فراوان داشته اند. از این رو علاوه بر آوردن این روایات در کتب سنن و مسانید و جوامع و غیره، کتابهای روایی مستقل و مجموعه های احادیث خاص در این زمینه، فراوان نگاشته اند. از آن میان، ما به افزون از سی کتاب که به شکل مستقل، به کوشش بزرگان اهل سنت، در این باره تالیف شده است، آگاهی یافتیم که بعنوان نمونه، می توان از کتاب های البیان فی اخبار صاحب الزمان و القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر علیه السلام و عقد الدرر و العرف الوری و... نام برد. این کتابها و نظایر آنها، کمترین چیزی را که اثبات می کنند، اینست که باورداشت مهدویت باوری اسلامی است که اساس آن به کتاب و سنت نبوی صلی الله علیه و آله بر می گردد و همه پیشینیان و صحابه و تابعین، به آن اعتقاد داشته اند و اختصاصی به مذهبی خاص از مذاهب مختلفه مسلمین ندارد. اینکه خود این عقیده، یکی از دلایل قطعی بر پایان یافتن سلسله پیامبران الهی به وجود شریف پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و اینکه آیین او، هرگز نسخ نخواهد گشت و اینکه

[صفحه ۲۰]

حضرت مهدی علیه السلام - چنانکه در کتاب المهدی از سنن ابوداود آمده، و احادیث صحیحه متعددی به آن تصریح دارند - دوازدهمین جانشین اوست. آخرین

نفر از جانشینانی که رسول گرامی صلی الله علیه و آله، امت خویش را به آمدن یکایک آنان بشارت بخشیده است و این بشارت، همگی در احادیث گوناگونی که با سندهای فراوان در مسند احمد بن حنبل و صحیح بخاری و صحیح مسلم و غیر آنها، نقل شده است، مورد اعتراف همگان است. هر کس بخواهد به میزان قوت و اعتبار آنچه که مدرک و مستند مسلمانان در عقیده به مهدویت قرار گرفته آگاهی یابد و کثرت روایات این باب، و فراوانی مولفین و جمع آورندگان آنها را دریابد، و شهرت این روایات در بین اندیشمندان و دانشمندان اسلامی را غیر قابل انکار بیند، باید به کتابهای جوامع سنن مسانید و کتابهای تفسیر و تاریخ و رجال و فرهنگنامه ها و لغتنامه ها و غیر آن مراجعه نماید، تا بفهمد که بر شمردن همه این احادیث و کتابهای مربوطه، کاری بسیار دشوار است. ما در این مختصر، تنها درباره یکی از این کتابها، که پیرامون این موضوع نگاشته شده است، سخن می گوئیم و بعنوان نمونه ای از اینگونه تالیفات و بعنوان دلیلی بر بسیاری چشمگیر این مطالب در کتابهای دیگر، به بررسی آنچه در این کتاب آمده است، می پردازیم. این کتاب البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان علیه السلام [۱] نام دارد. اما کتاب و مولف آن، هر دو بی نیاز از تعریف هستند، زیرا خود کتاب از کتابهای مشهور و معروف است، که نسخه خطی آن در

[صفحه ۲۱]

چندین کتابخانه بزرگ موجود است و اخیرا چاپ جدیدی از این کتاب، با استفاده از تصویر برداری از نسخه خطی موجود در کتابخانه مسجد الحرام

در مکه مکرمه، عرضه شده است و ماخوذ نیز نسخه خطی دیگری از آن را که در کتابخانه مسجد اعظم قم - از یادگارهای مرحوم مغفور آیه الله العظمی بروجردی - حفظ و نگهداری می شود، مشاهده کرده ایم. و مولف این کتاب، عالم بزرگ و محدث مشهور علی بن حسام الدین بن عبدالملک المتقی الشاذلی المدینی الهندی، متوفی به سال ۹۷۷ هجری قمری است. او نویسنده ای معروف است و شرح حالش در کتابهایی که پیرامون زندگینامه های علماء و بزرگان اهل سنت نوشته شده اند، موجود است. چنانکه در مقدمه و نسخه چاپ شده همین کتاب نیز، شرح زندگانی و آثار و مقامات او، درج گردیده است. برخی از آنچه در این کتاب آمده، و بر آنیم تا آگاهی مختصری نسبت به آن پیدا کنیم، عبارتند از: اسامی آن دسته از مشایخ و راویان و صاحبان کتابهای جامع، سنن و مسانید که احادیث مربوط به عقیده به مهدویت را در کتابهای خویش روایت کرده اند و مولف این کتاب نیز روایات وارده را از ایشان نقل کرده است، و نیز اسامی گروهی از علمای مشهور و تابعینی [۲] که پس از عهد پیامبر صلی الله علیه و آله این احادیث و اخبار را روایات کرده اند، و نیز اسامی گروهی از صحابه که خود، بدون واسطه از رسول صلی الله علیه و آله نقل حدیث کرده اند.

[صفحه ۲۲]

پاورقی

[۱] این کتاب که متأسفانه تا کنون به فارسی ترجمه نشده است، دارای ابواب مختلف است که در هر باب مجموعه ای از مشهورترین و معتبرترین روایات اهل سنت، درباره حضرت مهدی علیه السلام و خصوصیات

آن حضرت و نشانه های ظهور ایشان جمع آوری شده است.

[۲] تابعین به کسانی گفته می شود، که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکرده اند، لکن با اصحاب و یاران نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله که پس از پیامبر می زیسته اند، همنشینی و مصاحبت داشته، از آنان نقل روایت نموده اند.

اسامی مشایخ و اساتید فن و صاحبان کتابهای جامع حدیث

۱ - طبرانی، ۲ - ابونعیم اصفهانی، ۳ - خطیب بغدادی، ۴ - ابن ابی شیبه، ۵ - نعیم بن حماد - یکی از اساتید امام بخاری صاحب صحیح بخاری، ۶ - الحاکم، ۷ - احمد، ۸ - مارودی، ۹ - بزاز، ۱۰ - ترمذی، ۱۱ - دارقطنی، ۱۲ - ابن ماجه، ۱۳ - ابویعلی موصلی، ۱۴ - ابن عساکر، ۱۵ - مسلم، ۱۶ - ثعلبی، ۱۷ - ابوداود، ۱۸ - ابن جوزی، ۱۹ - ابن ابی اسامه، ۲۰ - تمام بجلی، ۲۱ - رویانی، ۲۲ - ابن منده، ۲۳ - حسن بن سفیان شیبانی، ۲۴ - عثمان بن سعید دانی، ۲۵ - ابوالحسن حوی، ۲۶ - ابن کثیر، ۲۷ - ابن سعد، ۲۸ - واقدی، ۲۹ - ابوبکر بن مقری، ۳۰ - ابن مناوی، ۳۱ - ابوغنم کوفی، ۳۲ - ابن مردویه، ۳۳ - ابن خزیمه، ۳۴ - ابوعوانه، ۳۵ - ابوبکر اسکافی، ۳۶ - دیلمی، ۳۷ - قرطبی، ۳۸ - ابن لهیعه، ۳۹ - ابوبکر احمد بیهقی، ۴۰ - ابوالحسن آبری، ۴۱ - ابن حبان، ۴۲ - ابوبکر احمد بن محمد بن عبدالله بن صدقه.

اسامی برخی از مشاهیر از تابعین و غیر آنان

۱ - عاصم بن عمرو بجلی، ۲ - سعید بن مسیب، ۳ - ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام، ۴۴ - اسحاق بن یحیی، ۵ - شهر بن حوشب، ۶ - زهری، ۷ - مطر وراق، ۸ - طاووس، ۹ - صباح، ۱۰ - عمرو بن علی، ۱۱ - مکحول، ۱۲ - کعب بن علقمه، ۱۳ - قتاده، ۱۴ - عبدالله بن حارث، ۱۵ - محمد بن جبیر، ۱۶ - ارطاه بن منذر، ۱۷ -

[صفحه ۲۳]

حکم

بن عینه، ۱۸ - ابوقبیل، ۱۹ - ابن ابی طلحه، ۲۰ - کثیر بن مره، ۲۱ - ابن سیرین، ۲۲ - مجاهد، ۲۳ - خالد بن سعد، ۲۴ - ابو مریم، ۲۵ - شریک، ۲۶ - ابوارطاه، ۲۷ - ضمیره بن حبیب، ۲۸ - حکم بن نافع، ۲۹ - خالد بن معدان، ۳۰ - محمد بن حنفیه، ۳۱ - سدی، ۳۲ - سلیمان بن عیسی، ۳۳ - بقیه بن ولید، ۳۴ - ولید بن مسلم، ۳۵ - قیس بن جابر، ۳۶ - عمرو بن شعیب، ۳۷ - ابو شوذب، ۳۸ - دینار بن دینار، ۳۹ - معمر، ۴۰ - فضل بن دکین، ۴۱ - سالم بن ابی جعد، ۴۲ - محمد بن صامت، ۴۳ - حکیم بن سعد، ۴۴ - ابراهیم بن میسره، ۴۵ - ابوامیه.

اسامی روایت کنندگان درباره حضرت مهدی از مردان و زنان اصحاب...

۱ - علی بن ابی طالب، ۲ - عمار بن یاسر، ۳ - حذیفه یمانی، ۴ - ابوسعید خدری، ۵ - طلحه بن عبیدالله، ۶ - ابن عمر، ۷ - عبدالله بن مسعود، ۸ - جابر بن عبدالله، ۹ - عبدالرحمان بن عوف، ۱۰ - عمر بن خطاب، ۱۱ - ابن عباس، ۱۲ - ابوهریره، ۱۳ - انس بن مالک، ۱۴ - ابو امامه، ۱۵ - هلالی، ۱۶ - ابوظفیل، ۱۷ - الحسن علیه السلام، ۱۸ - الحسین علیه السلام، ۱۹ - ثوبان، ۲۰ - ابی بن کعب، ۲۱ - جابر بن سمره، ۲۲ - جابر صدفی، ۲۳ - عبدالله بن عمرو بن عاص، ۲۴ - عمرو بن عاص، ۲۵ - ام سلمه، ۲۶ - عایشه، ۲۷ - اسماء بنت عمیس، ۲۸ - ام حبیبه. در اینجا، بعد از ذکر

اسامی، به خاطر افزایش آگاهی خواننده، و خالی نبودن این نوشتار از متون این احادیث، و نیز بمنظور کسب ثواب و اجری که در احادیثی مانند: من حفظ من امتی اربعین

[صفحه ۲۴]

حدیثا حشره الله يوم القيامة فقیها [۱] وعده داده شده است [۲]، در صدد بر آمدیم، که چهل حدیث از احادیث نقل شده در این کتاب را - که افزون از دویست حدیث می باشد - در این نوشتار ذکر نماییم. - و ما توفیقی الا بالله -

۱ - احمد، و ابن ابی شیبیه، و ابن ماجه، و نعیم بن حماد، در کتاب فتن از علی علیه السلام، نقل کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مهدی علیه السلام از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح خواهد فرمود. (ب ۲، ح ۱، ۸۹).

۲ - ابوداود، و ابن ماجه، و طبرانی، و حاکم، از ام سلمه روایت کرده اند که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: مهدی علیه السلام از سلاله من است، از فرزندان فاطمه علیه السلام (ب ۲، ح ۲، ص ۸۹)

۳ - حاکم، و ابن ماجه و ابونعیم، از انس بن مالک روایت کرده اند که گفت، شنیدم، رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: ما هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشت هستیم: من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی (ب ۲، ح ۳، ص ۸۹)

۴ - ترمذی به طریق صحیح از ابوهریره، نقل کرده است، که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از

عمر دنیا، جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند که مهدی علیه السلام در پی آید. (ب ۲، ح ۴، ص ۹۰)

[صفحه ۲۵]

۵- طبرانی در الاوسط از طریق عمرو بن علی، روایتی را از علی بن ابی طالب نقل کرده که از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال کرد: مهدی از بین ماست یا از بین دیگران؟ یا رسول الله! در جواب فرمود: بلکه از ماست، خداوند همچنانکه به ما آغاز فرمود، به ما هم ختم خواهد کرد. به وسیله ماست که مردم از شرک نجات می یابند، به وسیله ماست که خداوند بین دل‌های مردم، الفت و پیوند ایجاد می کند، بعد از آنکه به دشمنی حاصله از شرک، بینشان جدایی افتاده باشد (ب ۲، ح ۷، ص ۹۱)

۶- نعیم بن حماد، و ابونعیم از طریق مکحول از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: گفتم: ای رسول خدا، آیا مهدی علیه السلام از بین ما آل محمد صلی الله علیه و آله است یا از بین غیر ما؟ فرمود: نه، بلکه از بین ماست، خداوند دین را همچنانکه گشود، به وجود او ختم خواهد کرد، مردم بوسیله ما از فتنه نجات می یابند، چنانکه از شرک نجات یافتند. و بوسیله ماست که خداوند بین دل‌های مردم، الفت و پیوند ایجاد می کند. و بوسیله ماست که مردم بعد از دشمنی برخاسته از فتنه، با یکدیگر برادر شدند. (ب ۲، ح ۸، ص ۹۱)

۷- حارث بن ابی اسامه، و ابونعیم، از ابوسعید نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی

الله علیه و آله فرمود: زمین پر از ستم و دشمنی می شود، و به درستی، مردی از اهل بیت من، قیام خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پر کند، چنانکه پر از دشمنی و ستم شده باشد. (ب ۲، ح ۱۰، ص ۹۱ و ۹۲)

[صفحه ۲۶]

۸- طبرانی در کتاب الکبیر و ابونعیم از ابن مسعود، نقل کرده اند، که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد، اسمش همانند اسم من، و اخلاقش همانند اخلاق من است، او زمین را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد. (ب ۲، ص ۹۲)

۹- ابونعیم از حذیفه نقل کرده است، که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر این امت از پادشاهان ستمگر مردم، را می کشند، و اطاعت کنندگان پروردگار را می ترسانند، مگر کسی را که فرمانبری و اطاعت از آنان را اظهار کند. پس انسان با ایمان و پرهیزکار باید با زبانش با آنان بسازد، اما در قلب و با جوارحش از آنان بگریزد. پس اگر خدای بزرگ بخواهد اسلام را عزیز گرداند، هر ستمگر عناد پیشه ای را در هم خواهد شکست، و او بر آنچه بخواهد تواناست و می تواند امت را بعد از تباهی، اصلاح فرماید - و حالشان را نیکو گرداند - ای حذیفه! اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را، آن چنان طولانی خواهد کرد، که مردی از اهل بیت من به حکومت رسد، به دست او پیشامد هایی

عجیب به وقوع می پیوندند، و خداوند - به دست او - اسلام را پیروز می کند، و او در وعده هایش خلاف نمی کند، و او محاسبه گری سریع است. (ب ۲، ح ۱۲ ص ۹۲)

۱۰- حسن بن سفیان، و ابونعیم، از ابوهریره، نقل کرده اند، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک شب، باقی

[صفحه ۲۷]

نمانده باشد، خداوند در همان یک شب، مردی از اهل بیت مرا به حکومت خواهد رسانید. (ب ۲، ح ۱۳، ص ۹۲)

۱۱- رویانی در کتاب مسند خویش، و ابونعیم از حذیفه، نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است، رنگ رخساره اش، رنگ عربها، و اندامش، اندام اسرائیلی هاست، بر گونه راستش خالی هست، که مانند ستاره ای درخشان است. زمین را از عدالت پر می سازد، چنانکه از ستم و حق کشی پر شده باشد، در زمان خلافت و رهبری او، زمینیان و آسمانیان و پرندگان فضا، راضی و خوشنود خواهند بود. (ب ۲، ح ۱۶، ص ۹۳ و ۹۴)

۱۲- ابونعیم از حسین علیه السلام روایت کرده است، که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: ای دخترک من! مهدی، از فرزندان توست. (ب ۲، ح ۱۷، ص ۱۲)

۱۳- و ابن عساکر از حسین علیه السلام روایت کرده است، که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای فاطمه! تو را بشارت باد، که مهدی علیه السلام از نسل تو است. (ب ۲، ح ۱۷، ص ۹۴)

۱۴- طبرانی در کتاب

الكبير، و ابونعیم از هلال (یا هلالی)، نقل کرده است، که پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: سوگند به آنکه مرا به حقیقت، مبعوث گردانید، که مهدی این امت، از نسل این دو نفر است - اشاره به حسن علیه السلام و حسین علیه السلام -

[صفحه ۲۸]

زمانی که دنیا آشفته گردد، و فتنه ها ظاهر شوند، و راهها کوتاه گردند، و برخی مردم بر برخی دیگر هجوم آورند، نه بزرگسالان به خردسالان رحم کنند، و نه خردسالان به بزرگسالان، احترام نهند. در آن زمان خداوند از نسل این دو، کسی را بر می انگیزد که حصارهای گمراهی را می گشاید، و دلهای غفلت زده را بیدار می کند، و در آخر الزمان دین را بپا می دارد، چنانکه من در ابتدا، آن را به پا داشتیم، و دنیا را از عدالت، پر می سازد چنانکه از ستم پر شده باشد. (ب ۲، ح ۱۹، ص ۹۴ و ۹۵)

۱۵- و نیز او - نعیم بن حماد - از علی علیه السلام و عایشه، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: مهدی، مردی از خاندان من است. او بر طبق سنت من - با مخالفین - می جنگد، چنانکه من بر طبق وحی الهی می جنگیدم. (ب ۲، ح ۲۱، ص ۱۹۵)

۱۶ - و نیز او - نعیم بن حماد - از علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: مهدی علیه السلام مردی از - نسل - ما، از فرزندان فاطمه علیها السلام است. (ب ۲، ح ۲۳، ص ۹۵)

۱۷- طبرانی، از عوف بن مالک، نقل

کرده است، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فتنه ای سخت، تیره و تاریک فرا می رسد، فتنه ها پشت سر هم - بر مردم - وارد می شوند، تا اینکه مردی از اهل بیت من قیام کند، که مهدی خوانده می شود. اگر او را دریافتی، پیروش باش، تا از هدایت

[صفحه ۲۹]

یافتگان باشی. (ب ۴، ف ۱، ح ۲۰، ص ۱۰۳)

۱۸ - دانی از حکم بن عینیه، نقل کرده است، که گفت: به محمد بن علی عرضه داشتم: شنیدم که از نسل شما، مردی ظهور می کند، که در این امت عدالت را برپا می دارد. فرمود: همانا ما به همان چیزی که مردم امید دارند، امید بسته ایم. و امیدواریم که اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن چنان طولانی کند، که آنچه را این امت به آن امید بسته اند، تحقق پذیرد. و قبل از آن بدترین فتنه ها پدید می آید، چنانکه شخصی از برخی مردم، در شب مومن است، و صبح که می شود، کافر شده است، یا در صبح، مومن است، و شب که می رسد، کافر گردیده است، پس اگر کسی از شما، به چنین فتنه ای گرفتار شد، باید تقوای الهی پیشه کند. و باید کناره گزینی و خانه نشینی اختیار کند. (ب ۴، ف ۱، ح ۷، ص ۱۰۴)

۱۹ - امام ابو عبدالله نعیم بن حماد در کتاب الفتن از عمار بن یاسر نقل کرده است: زمانی که نفس زکیه کشته شود، و برادرش در مکه به نبردی شدید پردازد، ندا دهنده ای از آسمان ندا

دهد، که امیر و فرمانروای شما فلانی است و او همان مهدی است کسی که زمین را از حقیقت و عدالت، آکنده سازد.

۲۰- طبرانی در کتاب الاوسط از طلحه بن عبیدالله، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است: فتنه ای خواهد بود، هنوز طرفی از این فتنه، آرام نگرفته که طرف

[صفحه ۳۰]

دیگری بر می خورد، - قسمتی از آن آرامش نیابد مگر آنکه قسمتی دیگر از آن، بر می آشوبد -، تا آنکه ندا دهنده ای از آسمان ندا در می دهد: همانا امیر و فرمانروای شما فلانی است (ب ۱، ح ۱، ص ۷۱)

۲۱- ابونعیم و خطیب در کتاب تلخیص المتشابه از ابن عمر نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی قیم می کند، در حالیکه بالای سر او فرشته ای ندا می دهد: این مهدی است، از او پیروی کنید. (ب ۱، ح ۲، ص ۷۲)

۲۲- ابونعیم از علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: زمانی که ندا دهنده ای از آسمان ندا می دهد که: حق در خاندان محمد صلی الله علیه و آله است، در آن هنگام نام مهدی بر زبانهای مردم آشکار می گردد، و محبت او را به دل می گیرند، و از غیر او یاد نمی کنند. (ب ۱، ح ۴، ص ۷۳)

۲۳- و نیز او - نعیم بن حماد - از شهر بن حوشب نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در ماه محرم، ندا کننده ای از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید که برگزیده خدا - از

میان خلائق - فلانی است، پس فرمانش را گوش کنید، و از او اطاعت کنید، در سالی که جنگها و فتنه ها فراوان است و سال صدای آسمانی است. (ب ۱، ح ۹، ص ۷۵)

۲۴- و از امیرالمومنین علی بن ابی طالب نقل کرده است، که فرمود: سه پرچم به مخالفت با یکدیگر برافراشته شود، پرچمی در مغرب و پرچمی در عربستان و پرچمی در شام، فتنه و جنگ

[صفحه ۳۱]

بین آنها یکسال طول می کشد - سپس از قیام سفیانی و ظلم و ستمی که بر مردم روا می دارد، یاد کرد. و پس از آن از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام یاد نمود و فرمود: - لشکریان خویش را حرکت می دهد، تا در کمال آرامش و مدارا به وادی القری می رسند. در آنجا پسر عمویش [۳] سید حسنی همراه با دوازده هزار سوار به او می رسد. و می گوید: ای پسر عمو، من به فرماندهی این لشکر سزاوارتر از تو هستم، زیرا من فرزند امام حسن هستم و مهدی من هستم. حضرت مهدی علیه السلام به او می فرماید: بلکه من مهدی هستم. حسنی می گوید: آیا تو را نشانه او معجزه ای هست تا با تو بیعت کنم؟ پس حضرت مهدی علیه السلام به پرنده ای اشاره می نماید، و پرنده در دستهایش قرار می گیرد. و نی خشکی را می گیرد و در زمین می کارد، - بلافاصله - سبز می شود و برگ می دهد. آن زمان سید حسنی به او عرض می کند:

ای پسر عمومی من، این مقام سزاوار توست. (ب ۱، ح ۱۵، ص ۷۶ و ۷۷)

۲۵- نعیم، و ابونعیم، از ابوسعید نقل کرده اند، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که آخرالزمان شود - و یاس و ناامیدی رخ نماید - و فتنه ها ظاهر شود، مردی خواهد بود که مهدی نامیده می شود. و بخشش و عطایایش ریزان و سرشار است. (ب ۱، ح ۳۳، ص ۸۴)

۲۶- ابونعیم، از عبدالرحمن بن عوف، نقل کرده است، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که آخرالزمان شود - یاس و ناامیدی و قحطی رخ نماید -

[صفحه ۳۲]

به تحقیق خداوند مردی از خاندان مرا بر خواهد انگیخت، دندانهای پیشینش فاصله دار، و جبینش گشاده است. زمین را از عدالت پر می سازد، و مال فراوان می بخشد. (ب ۱، ح ۳۲، ص ۸۴)

۲۷- احمد و مسلم از ابوسعید و جابر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود: در آخرالزمان خلیفه ای خواهد بود که مال را بدون اینکه بشمارد، تقسیم می کند. (ب ۱، ح ۲۸، ص ۸۳)

۲۸- حذیفه یمانی، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که - درباره قضیه حضرت مهدی علیه السلام و بیعت کردن مردم با او در بین رکن و مقام خانه کعبه و خروج او بسوی شام - فرمود: و جبرئیل در راس پیشاهنگان لشگر، و میکائیل در راس دنباله داران لشگر او قرار دارند، آسمانیان و زمینیان و پرندگان و حیوانات وحشی، و ماهیان دریا، همگی به ظهور او شاد می شوند.

این روایت را، ابو عمر و عثمان بن سعید مقری نیز در کتاب سنن خود نقل کرده است. (ب ۱، ح ۱۶، ص ۷۷)

۲۹- احمد و باوردی در کتاب المعرفه و ابونعیم از ابوسعید، نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شما را به مهدی، بشارت باد، مردی از قریش، از بین امت من، در زمانی که مردم باهم به مخالفت و ستیز بر می خیزند و زلزله ها روی می دهد، او زمین را از عدالت و برابری پر می سازد، چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد. آسمانیان و ساکنان زمین، از او راضی و خشنود می شوند. او مال را

[صفحه ۲۳۳]

به درستی و برابری بین مردم تقسیم می کند، و دلهای امت محمد را از بی نیازی می آکند، و عدالت او همگان را شامل می شود. تا آنجا که فرمان می دهد ندا دهنده ای در دهد: کیست که نیازی داشته باشد؟ پس هیچ کس جز یک مرد به نزد او نمی آید. مرد نزد او می آید و درخواست می کند، می فرماید: به نزد نگهبان برده دار رو، به تو می دهد. به نزد او می رود، و می گوید: من فرستاده مهدی هستم، نزدت آمده ام که مالی به من عطا کنی. پس می گوید: بریز، و آن قدر از مال به دامنش می ریزد که نمی تواند آن را حمل کند. پس مال را بیرون می برد، در حالی که پشیمان است، و با خود می گوید: من طعمکارترین و حریص ترین فرد از امت محمد صلی الله علیه و آله

بودم، همه آنان به این مال فراخوانده شدند، اما جز من کسی آن را قبول نکرد. پس باز می‌گردد و پولها را به نگهبان پس می‌دهد. او می‌گوید: ما چیزی را که به کسی بخشیدیم، باز پس نمی‌گیریم. پس آن حضرت، در چنان حکومتی شش یا هفت یا نه سال درنگ می‌کند، و بعد از او، خیری در زندگانی نیست. (ب ۱، ح ۲۱، ص ۷۹ و ۸۰)

۳۰- و نیز او، از عبدالله، از ابوسعید، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: مهدی از نسل ماست، گشاده پیشانی است، و وسط بینی او قدری بر آمده است. (ب ۳، ح ۳، ص ۹۹)

۳۱- نعیم بن حماد از ابوسعید خدری نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از من فتنه‌هایی رخ خواهد داد. یکی از آن فتنه‌ها، فتنه

[صفحه ۳۴]

تنگدستی و بیچارگی و خانه نشینی خواهد بود. در آن فتنه، جنگ و گریزها بوقوع می‌پیوندد. و بعد از آن فتنه‌ای سخت تر و پس از آن فتنه‌ای دیگر خواهد بود. هر چه گفته می‌شود: دیگر فتنه به پایان رسید، گسترش بیشتر می‌یابد، تا جائی که هیچ خانه‌ای نمی‌ماند، مگر آن که فتنه‌ای، آن را در بر می‌گیرد، و هیچ مسلمانی نیست، مگر آن که فتنه‌ها او را دلزده و دلتنگ ساخته باشد. تا این که مردی از خاندان من قیام کند. (ب ۴، ح ۳، ص ۱۰۳)

۳۲ - نعیم از علی علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

مهدی، قیام نخواهد کرد، تا زمانی که یک سوم مردم کشته شوند، یک سوم دیگر بمیرند، و - تنها - یک سوم آنها باقی بمانند. (ب ۴، ف ۲، ح ۴، ص ۱۱۱ و ۱۱۲)

۳۳- ابن ابی شیبه، از مجاهد، نقل کرده است، که گفت: فلانی - مردی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله - برایم روایت کرد که: همانا مهدی علیه السلام، قیام نخواهد کرد، تا آن زمان که نفس زکیه کشته شود. وقتی نفس زکیه کشته شد، هر کس در آسمان، و هر کس در زمین است، بر کشندگان او، خشمگین می شوند. پس مردم می آیند و شادمانه گرداگردش می چرخند. چنانکه در شب عروسی، شادمانه گرد عروس می چرخند. و مهدی علیه السلام، زمین را از عدل و داد پر می کند. و امت من در زمان ولایت و حکومت او، از چنان نعمتی برخوردار می شوند، که هرگز در گذشته از آن بهره مند نبوده اند. (ب ۴، ف ۲، ح ۶، ص ۱۱۲)

۳۴- ابوعمرو دانی در کتاب سنن خویش از حدیثه، نقل کرده

[صفحه ۳۵]

است، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام متوجه می شود، که عیسی بن مریم، نازل شده است. و چنان است که گویا از موهایش، آب می چکد. مهدی علیه السلام به او می فرماید: بفرما، پیش برو و با این مردم نماز بگزار. عیسی گوید: این نماز برای اقتدای به تو بپا داشته شده. پس پشت سر مهدی علیه السلام که مردی از فرزندان من است، نماز می خواند. (ب ۹، ح ۹، ص ۱۶۰)

۳۵ - طبرانی

در کتاب الاوسط و حاکم از ام سلمه، روایت کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عده ای به تعداد لشکریان بدر با آن مرد - مهدی علیه السلام - بین رکن و مقام کعبه، بیعت می کنند، پس جمعی از بزرگان اهل عراق و صالحین اهل شام، به یاری او می آیند. پس لشگری از اهل شام، با او و یارانش می جنگند، تا به منطقه ای به نام بیداء می رسند، زمین آنان را - لشکر شام را - در خود فرو می برد.

۳۶ - نعیم از محمد بن حنفیه (رضی الله عنه) نقل کرده است، که گفت: نزد علی علیه السلام بودیم، پس مردی از او درباره مهدی علیه السلام سوال کرد، فرمود: هیئات! چقدر دور است! - سپس با دستش، نه عدد شمرد [۴] - و بعد فرمود: او در آخر الزمان، ظهور خواهد کرد. و در زمانی که درباره اش گفته شود: خدا را، خدا را، که او کشته شده است. [۵] پس خداوند برای او - از جای جای زمین - گروهی را که همچون قطعه های ابر پراکنده اند، گرد هم می آورد. و بین دلهایشان الفت و پیوند، ایجاد می کند، به گونه ای که از هیچ کس نمی هراسند. و به هیچ کس شادمان

[صفحه ۳۶]

نمی شوند. به تعداد اصحاب بدر در این گروه وارد می شوند، کسانی که پیشینیان بر آنان سبقت نگرفته، و پسینیان توفیق درک و وصول به آنان را نمی یابند. و آنان به تعداد اصحاب طالوت اند، که با او از نهر گذشتند. (ب ۶، ح ۸)

۳۷- ابن ماجه، و طبرانی از عبدالله بن حارث بن جزء زبیدی، نقل کرده اند، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مردمی از مشرق زمین قیام می نمایند، و برای سلطنت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی می کنند. (ب ۷، ح ۲، ص ۱۴۷)

۳۸- ابوغنم کوفی در کتاب فتن از علی بن ابی طالب علیه السلام، روایت کرده است، که فرمود: آه از طالقان - رحمت باد بر طالقان - خدا را در آن شهر گنجینه هایی است که از طلا و نقره نیستند، بلکه در آن، مردانی هستند که خدا را به حقیقت معرفت، شناخته اند. و آنان در آخر الزمان، یاوران مهدی علیه السلام خواهند بود. (ب ۷، ح ۱۴، ص ۱۵۰)

۳۹- ابونعیم، از ابوسعید، نقل کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: از نسل ماست، آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند. (ب ۹، ح ۱، ص ۱۵۸)

۴۰- ابوبکر اسکافی، در کتاب فوائد الاخبار از جابر بن عبدالله، نقل کرده است، که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که دجال را تکذیب کند، کافر شده، و کسی که

[صفحه ۳۷]

مهدی علیه السلام را تکذیب کند، کافر شده است. (ب ۱۲، ح ۲، ص ۱۷۰) خدای تعالی را سپاس می گویم، که مرا به نقل این چهل مورد، از بین احادیث وارد شده درباره حضرت مهدی علیه السلام شرافت و توفیق بخشید. کسی که در این باره، خواستار احادیثی بیشتر، و بحثی گسترده تر است، می تواند در کتابهای مسانید و

جوامع و کتابهای مبسوطی چون بحار الانوار و العوالم و کتاب کمال الدین از شیخ صدوق، و غیبت از شیخ طوسی، و کفایه الاثر و کتاب ما منتخب الاثر به بررسی و تحقیق پردازد.

الحمد لله رب العالمین ۱۲ رجب الخیر ۱۴۰۱ قم مقدس - لطف الله صافی گلپایگانی

[صفحه ۴۷]

پاورقی

[۱] از رسول الله صلی الله علیه و آله مکرر نقل شده است که فرمودند: هر کس از امت من، چهل حدیث را حفظ نماید، خداوند روز قیامت، او را بعنوان فقیه محشور می فرماید.

[۲] از شافعی نقل شده است که درباره این گونه احادیث گفت: مراد از این چهل حدیث، احادیثی است که درباره فضایل و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شده است. و در همین زمینه، داستان عجیبی از احمد بن حنبل نیز نقل شده است، که طالبین آن می توانند به کتاب اربعین از شیخ ابوالفتح محمد بن احمد بن ابی الفوارس (فوت شده به سال ۴۱۲ هجری قمری) مراجعه نمایند.

[۳] از اینکه در این روایت، چند مورد تصریح شده است که سید حسنی - که از نسل امام حسن علیه السلام است - حضرت مهدی علیه السلام را بعنوان پسر عمو خطاب می کند، می توان استفاده کرد، که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از نسل امام حسین علیه السلام می باشد، چنانکه عقیده همه علمای شیعه و بسیاری از بزرگان اهل سنت است و در کتاب های مختلف از جمله منتخب الاثر مجموعه ای از روایات اهل تسنن و تشیع در این باره، نقل شده است.

[۴] درباره اینکه، این نه بار، باز و بسته کردن دست،

یا شمردن نه عدد با دست، (عقد بیده تسعا) چه مفهومی دارد، گفته شده است، که حضرت علی علیه السلام به این وسیله، خواستند اشاره ای داشته باشند به اینکه تعداد امامان معصوم از نسل حسین علیه السلام نه نفر است که نهمین آنان مهدی علیه السلام است، از این رو وقتی به نهمین شماره رسیدند فرمودند: ذلک یخرج فی آخر الزمان.

[۵] عبارت متن کتاب عبارتست از: (الله الله قبل) یعنی خدا را، خدا را، گفته شده است. لکن ظاهر اینست که عبارت صحیح به این گونه باشد: (الله الله قتل). یعنی خدا را خدا را، و کشته شده است. با این همه، در کشف الاستار بگونه ای دیگر آمده است: (اذا قال الرجل: الله تعالی قتل) یعنی مردی گوید که خدا او را کشته است. و افزوده است که حافظ ابو عبدالله حاکم در کتاب مستدرک خود آن را نقل کرده و گفته است که این حدیث، بر مبنای بخاری و مسلم صحیح شمرده می شود، اگر چه خود آن دو، ذکری از آن ندارند.

قیام حضرت مهدی و تشکیل حکومت واحد جهانی (به قلم آیه الله سبحانی)

مقدمه

مقاله ای از استاد بزرگوار حضرت آیه الله سبحانی.

در اواخر قرن نوزدهم و بخشی از آغاز قرن بیستم که غرب در تب و تاب ناسیونالیسم، و نژاد پرستی فرو رفته بود و موسولینی و هیتلر به بهانه برتری نژاد، جهان را به خاک و خون می کشیدند، و سیاستمداران به جای نجات انسان ها، به فکر توسعه سلطه نژادی و قومی بودند، ناگهان اندیشه انترناسیونالیسم و لزوم حکومت واحد جهانی در نظر برخی از دانشمندان غرب، قوت گرفت و طرح هائی در این مورد ارائه گردید. علت پیدایش این فکر،

و به عبارت روشن تر: علت تجدید این اندیشه که در اقوام پیشین سابقه دیرینه دارد، همان هیولای مخوف جنگهای جهانی اول و دوم بود که به صورت وحشت ناکی خود را نشان داد، و تنها در جنگ اول جهانی حدود ۹ میلیون نفر کشته و ۲۲ میلیون نفر معلول و ده میلیون نفر مفقود الاثر شدند، و تلفات جنگ دوم جهانی بسیار وحشتناک تر از جنگ نخست بود. این نبردهای جهان عملاً ثابت کرد که وجود مرزهای مصنوعی

[صفحه ۴۸]

میان ملت ها عامل جنگ و نبرد و مایه خونریزی و بدبختی است، همچنان که نژاد و قومیت بطور کلی ناسیونالیسم و نژاد پرستی همین عواقب مشابه را نیز در بردارد. تاسیس جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول که در آن ۲۶ کشور عضویت داشتند و یا تاسیس یک جامعه جهانی به نام سازمان ملل متحد، و اتحادیه های بین المللی وابسته به آن، پرتوی از فکر تاسیس حکومت واحد جهانی است که هنوز به صورت یک فکر و اندیشه در میان متفکران مطرح می باشد، تا آنجا که گروهی از متفکران پیش بینی می کنند که ممکن است سازمان ملل متحد که به صورت یک پارلمان جهانی است در آینده بصورت مرکز یک حکومت واحد جهانی در آید. گروهی از متفکران، از این گام فراتر نهاده و طرح یک حکومت واحد جهانی را پی ریزی کرده اند و در این مورد، از یک قوه مقننه، و یک قوه مجریه، و یک قوه قضائیه گزارش می دهند. این گروه در اعلامیه ای که در کنگره توکیو در سال ۱۹۶۳ منتشر کرده اند یاد آور شده

اند که چون صلح دائمی هرگز به وسیله عهد نامه ها و پیمانها عملی نمی شود و سازمان ملل متحد، به خاطر اینکه فاقد قوه اجرائی است، مصوبات او از دایره پند و اندرز فراتر نمی رود، از این جهت برای صلح دائمی و حفظ شرف و خون و مال انسانها چاره ای جز تشکیل یک حکومت واحد جهانی نیست. این گروه برای پیاده کردن این اندیشه طرحی را پیشنهاد کرده و

[صفحه ۴۹]

می گویند: برای تشکیل حکومت واحد جهانی، لازم است امور زیر تحقق یابد:

۱ - پارلمان جهانی:

در این نقطه همه کشورهای جهان باید در آن عضویت داشته باشند، و نماینده پر جمعیت ترین کشورها، بیش از کشورهای دیگر رای خواهد داشت.

۲ - ارتش جهانی:

هدف از تشکیل آن، حفظ صلح جهان است و این قدرت در اختیار شورای عالی اجرایی، قرار خواهد گرفت.

۳ - شورای عالی اجرایی:

این شورا قوه مجریه پارلمان جهانی خواهد بود.

۴ - دیوان دادگستری بین المللی:

این چنین گرد هم آبی ها و طرحها و پیشنهادها حاکی است که متفکران در آستانه پذیرش امکان تحقق یک حکومت واحد جهانی هستند که در گذشته به صورت یک ترمتمتع و محال تلقی می شد. در حالی که این چنین اندیشه ها و طرح ها مایه خوش وقتی است، ولی بطور مسلم، بشر امروز با اخلاق مادی که دارد، موفق به تشکیل چنین حکومت واحد جهانی نخواهد شد، زیرا پیشنهاد دهندگان و

[صفحه ۵۰]

طراحان و مجریان و داوران، همه و همه یک رشته مردمی هستند که روح خود خواهی، و خود محوری بر آنها حاکم بوده و در درون خود عشق به انسانها را احساس نمی

کنند. اگر در آغاز کار هم حسن نیستی داشته باشند، در اثناء کار، خود خواهی و مقام خواهی، و نژادگرایی و دهها عوامل اخلاق مادی، آنان را منحرف کرده و سرانجام این طرح به سرنوشت جامعه ملل و سازمان ملل متحد کنونی دچار می شود، و به صورت یک عروسک طلایی در دست ابر قدرت ها در می آید. تا یک نوع معنویت و پاکی، و تقوی و خداترسی و ایمان به خدا و سرای دیگر، در طراحان و موسسان و مجریان حکومت واحد جهانی پدید نیاید، هیچ گاه این طرحهای خوش خط و خال نتیجه بخش نمی باشد و سرانجام ابزاری می شود در دست ابر قدرت ها، آن هم برای محو حقوق مستضعفان و ملت های ضعیف و ناتوان جهان. ولی به حکم باش تا صبح دولتش بدمد این اندیشه، نشانگر یک نوع یاس و نومیدی در متفکران و اندیشمندان جهان نسبت به کلیه سازمانهای بشری و تشکیلات مادی است که مدتهاست، متفکران ما چشم امید به آنها بودند و درمان دردهای خود را از آن می طلبیدند، در حالی که اگر این نوع سازمانها مایه درد و رنج نباشند، منبع خیر و برکت نیستند و همگی مصداق مرا به خیر تو امید نیست، شرمرسان می باشند، و اگر هم این گفتار مبالغه آمیز باشد، بالاخره سازمان ملل، گره گشا نبوده و از نفوذ ابر قدرتها مصون نیست.

[صفحه ۵۱]

قیام حضرت مهدی و حکومت واحد جهانی

در حالی که ایجاد حکومت واحد جهانی بر بشر کنونی که در اخلاق مادی فرورفته و معنویات و احساسات پاک او نسبت به انسانها فروکش کرده است، به صورت یک آرزوی خام و

روای طلایی است. احادیث اسلامی، تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام را از ویژگی های قیام حضرت مهدی موعود علیه السلام می داند و بیانگر این است که در پرتو عدل او، جهان تحت لوای یک حکومت، یک دولت، یک قانون، یک قدرت در می آید و بساط تمام ابر قدرت ها و فرعونها و قارون ها و قارونک های زمان، از بزرگ و کوچک برچیده می شود و پرچم عدل و داد، در سراسر جهان به اهتزاز در آمده و صفا و صمیمیت و عشق به انسانها جهان را فرا می گیرد. اما باقر علیه السلام می فرماید: اذا قام القائم ذهب دولة الباطل [۱] آن گاه که امام قائم قیام کرد، حکومت های باطل نابود می شود. باز حدیث دیگر می فرماید: يبلغ سلطانة المشرق و المغرب [۲] قدرت او شرق و غرب را فرا می گیرد. الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور [۳] آنان که اگر در روی زمین به آنان قدرت دهیم نماز را به پای می دارند و زکات می دهند و به نیکی ها امر کرده و از بدی ها نهی

[صفحه ۵۲]

می کنند برای خدا است سرانجام امور. فرمود: این آیه بیانگر حکومت حضرت مهدی علیه السلام است خدا او و یاران او را بر شرق و غرب زمین مسلط می گرداند، و دین خدا را آشکار می سازد و به وسیله او و یارانش بدعتها را می میراند، همچنان که بی خردان حق را میرانده بودند، تا آنجا که از ستم اثری دیده نمی شود،

آنان مردم را به نیکی ها امر کرده و از بدی ها باز می دارند و برای خدا است سرانجام امور. [۴].

پاورقی

[۱] منتخب الاثر ص ۴۷۱ نقل از روضه کافی.

[۲] منتخب الاثر ص ۴۸۲.

[۳] سوره حج آیه ۴۱.

[۴] تفسیر برهان ج ۳ ص ۹۶ تفسیر نور الثقلین ج ۳ ص ۵۰۶.

ویژگیهای حکومت او

هر یک از جمله های حدیث گذشته به اصلی از اصول حکومت واحد جهانی امام علیه السلام و یا به یکی از ویژگی های حکومت او اشاره می کند، شایسته است به متن این فرازا توجه شود:

۱ - یملکهم الله مشارق الارض و مغاربها:

خداوند سراسر جهان را از خاور و باختر، در اختیار آنان قرار می دهد، یعنی حکومت او، جهانی می گردد نه منطقه ای.

۲ - و يظهر الدين و يمیت الله به و باصحابه البدع و الباطل:

به وسیله او دین خدا زنده و بدعتها و باطل ها نابود می شوند، یعنی قوانین حکومت او را، قوانین الهی که آئین خاتم اسلام است تشکیل می دهند:

[صفحه ۵۳]

۳ - حتی لا یری اثر من الظلم و یامرون بالمعروف:

از ستم اثری دیده نمی شود و به نیکی ها امر می کنند. یعنی دارای قدرت اجرایی گسترده ای می گردد، که هر نوع ستم را در سراسر جهان می زدایند و نیکی ها را گسترش می دهند. این چنین ویژگی هایی، فقط از آن حکومت جهانی اسلام است و بس، که مهدی صاحب الزمان علیه السلام تحقق بخش آن می باشد.

۴ - یکی از ویژگی های حکومت امام علیه السلام، گسترش عمران و آبادی در سراسر جهان و تسلط بشر بر معادن زیر زمینی است

و بشر در پر تو عدل، بر این تکامل دست می یابد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این مورد می فرماید: در زمان مهدی علیه السلام، آب در جهان افزایش پیدا کرده و نه‌رهای پدیدار می گردند و گنجها از دل زمین بیرون می آیند. [۱] ابن عباس که در دامن پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و مکتب امام امیر مومنان علیه السلام پرورش یافته دوران حضرت مهدی علیه السلام را چنین توصیف می کند. مهدی علیه السلام روی زمین را از داد پر کرده همچنان که پیش از او از ستم پر می شود و زمین پاره های جگر خود را بیرون می ریزد، آن گاه به عنوان نمونه می گوید: ستون هایی از طلا- و نقره [۲] این نوع از احادیث اسلامی که به صورت متواتر معنوی در کتابهای حدیث وارد شده است، از یک حکومت جهانی توأم با تمدن عمیق و ریشه دار گزارش می دهد که در عصر طلایی امام زمان علیه السلام تحقق می پذیرد.

[صفحه ۵۴]

پاورقی

[۱] منتخب الاثر ص ۴۷۳ و تزیید المیاه فی دولته و تمد الانهار و تخرج الكنوز.

[۲] منتخب الاثر ص ۴۷۲.

زمینه های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

با مراجعه به احادیث، می توان شرایط تحقق این چنین حکومت همراه با تمدن عظیم انسانی را، به شرح زیر بیان کرد:

آمادگی جهانیان

(نخستین شرط ظهور امام و پی ریزی چنین دولتی)، آمادگی جهانیان برای پذیرش چنین حکومتی، است. گذشت زمان و به بن بست رسیدن بشر در بسیاری از مشکلات، و یاس و نومیدی انسان از سازمان ها و تشکیلات مادی، جامعه انسانی را برای پذیرش آن، آماده می سازد، و یکی از نشانه های یاس و نومیدی انسان، از چاره جویی سازمان های مادی، همان است که در روایات اسلامی بطور متواتر وارد شده که پیش از ظهور امام، روی زمین را جور و ستم فرا می گیرد [۱] و فشار ظلم و تعدی، آن چنان بر دوش انسانها سنگینی می کند که بشر را برای پذیرش انقلاب دیگر، انقلابی عمیق و بنیادی آماده می سازد. عملاً می فهمد که دوران چاره سازی برنامه های مادی به پایان رسیده و بن بست، جز به یک نیروی غیبی شکسته نخواهد شد.

پاورقی

[۱] بعد ما ملئت جورا و ظلما.

تکامل خرد و اندیشه انسانی

پی ریزی یک حکومت واحد جهانی، و برقراری حکومت عدل و داد در کلیه شئون، به زور سر نیزه، و آتش توپ و تانک، امکان پذیر نیست، هر چند هر نوع حکومتی، بی نیاز از قوه و قدرت

[صفحه ۵۵]

نمی باشد، اما در عین حال، تنها قدرت و قوه اجرایی نیرومند قادر بر قلع فساد، و گسترش عدل و داد، نیست، بلکه باید جامعه انسانی از نظر عقل و خرد، و دانش و بینش به پایه ای برسد که طبعاً خواهان برقراری حکومت حق و قانون و طرد و نابودی ظلم و طغیان گردد. و این چنین حالتی جز در پرتو تکامل فرهنگ انسانی، امکان پذیر نمی باشد و بسیاری

از مشکلات در عصر ظهور امام علیه السلام از این طریق حل خواهد شد. و ما نمونه این نوع فرهنگ و تعقل را به گونه ای پیش از انقلاب اسلامی ایران و پس از آن تا مدتی مشاهده کردیم و دیدیم که چگونه تمام طبقات برای برچیده شدن نظام ستم شاهی همکاری و همیاری عجیبی از خود نشان دادند و خود حافظ نظم و برقرار کننده حکومت حق و حقیقت بودند. امام باقر علیه السلام بر این عنصر از عناصر پدید آورنده حکومت جهانی امام علیه السلام در حدیثی تصریح کرده و می فرماید: اذا قام قائمنا وضع الله یده علی رووس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم [۱] آن گاه که قائم ما قیام کرد، خداوند دست رحمت و قدرت او را بر سر بندگان می گذارد، به وسیله او خرد و اندیشه های انسانی به تکامل می رسد. ظلم و ستم، تعدی به حقوق الهی و مردمی، زائیده جهل و نادانی، و دور افتادگی انسان از فرهنگ اصیل انسانی است، و همچنین جهل و نادانی مانع از ساختن زیر دریایی و یا سفاین فضایی و آن گاه پیاده شدن بشر در قمر نیست، فرهنگ انسانی، یک فرهنگ تمام عیار است

[صفحه ۵۶]

که بخشی از آن را صنعت و اختراع تشکیل می دهد، در حالی که ابعاد دیگر آن مربوط به شناخت خود و جامعه و شناخت موقعیت خود در جهان می باشد و این چنین شناختی جز در پرتو تکامل عقول و اندیشه ها، میسر نمی گردد و در این موضع انسان آن چنان وارسته از خود خواهی و خود محوری می

گردد، که عشق به کمال و حقیقت را بالا-ترین کمال می داند و تجاوز به حقوق انسان ها را نشانه ذلت و عجز و پستی می شمارد.

پاورقی

[۱] کافی ج ۱ ص ۲۵ طبع جدید.

تکامل صنایع

حکومت واحد جهانی بدون تکامل صنعت، بالاخص بدون وسیله ارتباط جمعی امکان پذیر نیست، زیرا حکومتی که می خواهد ندای الهی را به اقصی ترین نقاط جهان برساند، همه مردم جهان را از پیام خود آگاه سازد، نمی تواند جدا از تکامل صنایع و وسایل ارتباط جمعی صورت پذیرد، حاکم الهی که باید پیام خدا را در یک شب به سراسر جهان ابلاغ کند و وظیفه مردم را در برابر حوادث و رویدادها روشن نماید، باید از وسایل تندرو، و دستگاههای گزارشگر قوی و نیرومندی، برخوردار باشد و اگر در دوره های گذشته رجال آسمانی بر تشکیل چنین حکومتی توفیق نیافته اند مقداری از آن، معلول فقدان وسایلی بود که ابزار تحقق حکومت جهانی است. امام صادق علیه السلام در حدیثی به این نوع از تکامل تصریح کرده است و می فرماید: ان قائمنا اذا قام مد الله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم

[صفحه ۵۷]

حتی لا یكون بینهم و بین القائم برید، یکلمهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه [۱] آن گاه که قائم علیه السلام ما قیام کند، خداوند بر قدرت شنوائی و بینائی شیعیان، گسترش می بخشد، فاصله میان آنها و قائم علیه السلام را از میان بر می دارد، امام با آنان سخن می گوید و آنان سخنان امام را می شنوند و او را در جایگاه خود می بینند. باز در حدیث دیگر می فرماید: ان

المومن فی زمان القائم و هو بالمشرق یری اخاه الذی فی المغرب و کذا الذی فی المغرب یری اخاه الذی بالمشرق [۲] مومن در زمان قائم علیه السلام که در مشرق زندگی می کند، برادر خود را که در مغرب است می بیند و همچنین کسی که در مغرب زندگی می کند، برادر خود را که در مشرق است مشاهده می کند. این تعبیر در آن زمان که گوش روزگار از تکامل صنعتی، و وسایل ارتباط جمعی از تلفن و تلگراف، رادیو و تلویزیون، چیزی نشنیده بود، جز یک رشته معجزات علمی چیز دیگری نمی توانست باشد ولی گذشت زمان این حقایق را روشن تر می سازد.

پاورقی

[۱] منتخب الاثر ص ۴۸۳ نقل از روضه الکافی.

[۲] منتخب الاثر ص ۴۸۳ نقل از حق الیقین.

ارتش انقلابی جهانی

هیچ حکومتی هر چه الهی و آسمانی باشد، بی نیاز از یک قدرت اجرایی نمی باشد، در حکومت حضرت مهدی علیه السلام که به صورت واحد جهانی برقرار می گردد به نیروهای فعال و سازنده و ارتش

[صفحه ۵۸]

انقلاب جهانی، نیاز مبرمی است که در راه هدف از همه چیز بگذرند و در نتیجه شجاع تر از شیر و برنده تر از شمشیر باشند. [۱] و اگر در برخی از روایات شماره آنان سیصد و سیزده نفر و در برخی دیگر دوازده هزار نفر و احیانا پانزده هزار نفر معین شده است، هدف اشاره به سران آن ارتش انقلابی است که تحت فرمان امام انجام وظیفه می کنند، و رعب آنان قلوب دشمنان را پر می کند و در مقام مقابله، دشمن شکست می خورد، و شعار رزمندگان امام علیه السلام: بمیران بمیران،

و در راه انجام وظیفه الهی از سرزنش هیچ سرزنشگری هراس ندارند. [۲] به امید روزی که پرچم اسلام در سراسر گیتی و در پرتو حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) به اهتزاز در آید و آدمی از بند ظلم و ستم آزاد گردد، و در فراخنای عدل الهی، قرار گیرد.

[صفحه ۶۲]

پاورقی

[۱] ترجمه گفتار امام باقر است که آنان را چنین توصیف می کند: اجری من لیث و امضی من سنان.

[۲] منتخب الاثر ص ۴۸۶.

در جستجوی نور (به قلم حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کورانی)

ترجمه مقاله ای تحت عنوان بحثنا عن النور، بزبان عربی، از استاد بزرگوار، حضرت حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کورانی، که قبلا به چاپ نرسیده است.

استاد شیخ علی کورانی

در مسیر راهمان به بقیع، دوستم پرسش خود را دوباره تکرار کرد: - چرا ساکت و در اندیشه ای؟ گویی در عالم دیگری هستی... آیا برایت اتفاقی افتاده؟ - اتفاقی برایم نیفتاده و گویا من شایستگی این را ندارم که برایم اتفاقی روی دهد... و یا بوی یوسف را استشمام کنم! آیا فراموش کرده ای که ما در مدینه رسول خدا صلی الله علیه و آله هستیم و این شهر جایگاه حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه است. حقیقتا روایتی از امام صادق علیه السلام ذهنم را بخود مشغول ساخته، که آن حضرت فرمود: صاحب الامر دارای غیبتی است و در آن غیبت بی نام و نشان بسر می برد و مدینه (طیبه) بهترین جایگاه است و با وجود سی تن از همراهان بیمی وجود ندارد. مسئله ای به این عظمت، چگونه اندیشه و حواس انسان را مشغول نسازد؟! نور خدا در زمین او و حجت وی بر

بندگانش... در همین سرزمینی که در آن قرار داریم، سکونت دارد، چگونه در جستجوی او یا اثری از

[صفحه ۶۳]

وی نباشیم؟ آیا گفته خدای تعالی را نخوانده ای که فرمود: الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکاه فیها مصباح المصباح فی زجاجه، الزجاجه کانهما کوکب دری، یوقد من شجره مبارکه زیتونه لا شرقیه و لا غربیه، یکاد زیتها یضی ء و لو لم تمسه نار، نور علی نور، یهدی الله لنوره من یشاء، و یضرب الله الامثال للناس، و الله بکل شیء علیم، فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ، یسبح له فیها بالغدو و الاصال، رجال لا تلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوٰه و ایتاء الزکوه... نور / آیه ۳۵ و ۳۶ و ۳۷. خدا نور آسمان و زمین است، مثال نورش به چراغدانی می ماند که در آن چراغی است و آن چراغ در آبگینه ای قرار دارد و آن آبگینه گویی ستاره ای درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می گردد. نزدیک است روغنش روشنایی بخشد، بی آن که آتشی بدان رسد، روشنایی روی روشنایی است، خداوند هر که را که خواهد به نور خویش رهبری می نماید، خدا این مثالها را برای مردم می زند، و خدای متعال بر هر چیز آگاه است. در خانه هایی که خداوند رخصت داده که منزلشان بلند گردد، و نام او در آنها یاد شود. و در بامدادان و شامگاهان، ذکر و تسبیح او گویند مردانی که بازرگانی و خرید فروش، آنان را از یاد خدا و

زکات، باز ندارد... یعنی نور خدای عز و جل دارای مرکزی در زمین است و آن بسان چراغدان است، و خداوند این مثال را برای مردمی که در این زمین ساکنند، می زند!! این نور الهی و چراغدان، و چراغ فروزان کجاست؟ چگونه می توانیم گفته های مفسرین را بپذیریم در اینکه آیه بعدی، یعنی فی بیوت اذن الله ان ترفع ارتباطی به آیه نور ندارد، و حدیث نبوی که آن را از اهل بیت علیهم السلام نقل می کنیم، نادیده بگیریم. روایتی که سیوطی و ثعلبی نیز آن روایت کرده اند که این نور الهی است که در این خانه ها وجود دارد، و این (بیوت) خانه های پیامبران و امامان هستند. سیوطی در در المنثور (ج ۵، ص ۵۰) می گوید: ابن مردویه از انس بن مالک و بریده نقل کرده و گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه فی بیوت اذن الله ان ترفع را قرائت فرمود، مردی در محضر او بپا خاست و عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله اینها چه خانه هایی هستند؟ حضرت فرمود: خانه های پیامبران، سپس ابوبکر بپا خاست و پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله این خانه [اشاره به خانه علی و فاطمه علیهما السلام] هم از جمله این خانه هاست حضرت فرمود: آری، از برترین آنهاست! چگونه به تفسیر مفسرین قانع شویم که می گویند: منظور از این خانه ها مساجداند، چراغدان نور خدا در زمین، عبارت از چراغها و چلچراغ های مساجد است که مردم بوسیله شمع و

روشن می کنند! آیا ملاحظه نمی کنی که سر آغاز آیه شریفه الله نور السموات و الارض برای همین مطلب زمینه چینی نموده و تمام آن را خلاصه می کند...؟ بنا بر این خدای عز و جل نور آفرینش آسمانها و زمین است، و نور استمرار هستی و حیات آنها و نور انواع تاثیر و تاثرات در آنهاست. آفریدگار جهان در هر عصر و زمانی دارای نوری در زمین است، که شباهت زیاد به چراغ فروزان در چراغدان، دارد و هر کس را بخواهد به سمت آن رهنمون می شود. و همین است مضمون حدیث متواتری که می گوید: خداوند زمین خود را خالی از حجت نمی گذارد، چه آن حجت، آشکار و مشهور باشد و چه بيمناک و بی نام و نشان. پس از زیارت، دوستم پیشنهاد کرد که کنار دیوار بقیع بنشینیم و بحث و گفتگوی خود را پیرامون امام مهدی علیه السلام، تکمیل کنیم. نشستیم، وی گفت: یعنی امام مهدی علیه السلام همان مرکز نور الهی در آیه نور است؟ - آری، مقتضای فرموده خداوند: مثل نوره کمشکاه همین است که این چراغدان پیوسته در زمین وجود دارد، چه اینکه این سخن از جنبه وقت، مطلق بوده و مقید بزمان خاصی نیست، و حدیث نبوی صلی الله علیه و آله که سیوطی آن را روایت کرده است، نیز صریح در این معناست. - یعنی می گوید، افعال الهی در زمین و درباره مردم، بواسطه امام مهدی علیه السلام صورت می گیرد؟! - بلکه می گویم، خداوند در زمین دارای چراغی فروزان است که

نیست که رسول اکرم صلی الله علیه و آله تجسم عینی آن بودند. چه آن که نقش آن حضرت، در تابندگی و درخشندگی نور خدا و در فیض عطای الهی، بیش از حد تصور عادی ما می باشد. سپس تردیدی نیست که این چراغ درخشند، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله در وجود علی علیه السلام و امامان از نسل او تجسم یافت، در همان محدوده ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدان خبر داده بودند. آیا از پرسشی که ابوبکر از پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، در نیافتی که او می خواست بداند آیا خانه علی و فاطمه علیهما السلام - که رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیوسته تاکید می کرد، خانه خود اوست، و اهل آن خانه، اهل بیت اویند - از زمره خانه های پیامبران و مراکز نور الهی است یا خیر؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله به او پاسخ داد که: نه تنها آن خانه در زمره خانه های پیامبران است، بلکه از برترین آنهاست!! آیا سوره قدر را نخوانده ای که فرشتگان، هر سال به هر امری فرود می آیند...؟ آیا در عمومیت و شمول این کلام دقت نکرده ای؟! دوست عزیز، مقام پیامبر ما صلی الله علیه و آله و امامان و پیشوایان ما علیهم السلام، برتر از تصور ماست، و انواع کارها و افعال الهی بیش از آن است که ما تصور می کنیم، برخی از آن افعال را خداوند بطور مستقیم و برخی را بواسطه فرشتگان و پیامبرانش و یا بواسطه هر کس از آفریده هایش

که بخواهد، انجام می دهد! و ما شاید بتوانیم بر انواع کارهای الهی و قوانین آن، رهنمودهایی از قرآن بیابیم، مانند: نسبت دادن فعل به خدای متعال به صیغه مفرد

[صفحه ۶۷]

متکلم، یا به صورت صیغه جمع و یا به صیغه غایب... بررسی افعال و کارهایی که در قرآن به خدای سبحان استناد دارد - از طریق بر شمردن و دسته بندی و تجزیه و تحلیل آنها - ما را بر انواع کارها و افعال الهی و وسائل آن، رهنمون خواهد شد. اینجاست که احساس می کنی صیغه هایی که در قرآن بیانگر افعال الهی است دارای هدف بوده و در ورای بکارگیری این صیغه ها، قاعده و قانونی وجود دارد. مثلاً خدای عز و جل برخی از افعال را با صیغه مفرد متکلم و جمع متکلم و مفرد غایب، به خودش نسبت داده است، مانند: اوحیت (وحی کردم)، اوحینا (وحی کردیم)، نوحی (وحی می کنیم)، اوحی (وحی کرد). - و بعضی از آن افعال را فقط به صورت صیغه جمع متکلم و غایب نسبت داده و به شکل صیغه مفرد، استثناء نداده است، مانند: بشرنا (مژده دادیم)، ارسلنا (فرستادیم)، صورنا (صورت بخشیدیم - صورتگری کردیم)، و رزقنا (روزی داریم)، بینا (بیان کردیم)... تا آخر. و نفرموده است: بشرت (مژده دادم). و یا رزقت (روزی دادم)... تا آخر. احساس می کنم که در این مساله قانون و قاعده ای است. چه اینکه کلمات قرآن و حروف آن، طبق محاسبات و قوانین و قواعد دقیق در جایگاه خود قرار دارند، همچنان که ستارگان، در جایگاه و مدارهای خود قرار داده شده اند، [قرآن می فرماید] فلا اقسام

بمواقع النجوم و انه لقسم لو تعلمون عظیم، انه لقرآن کریم (واقعه، آیه ۷۶، ۷۵ و ۷۷) (سوگند به جایگاه و موقعیت ستارگان، اگر بدانید این سوگندی

[صفحه ۶۸]

است بزرگ، همانا آن قرآنی کریم است). اما اینکه قاعده و قانونی را، از استعمال هر فعلی در قرآن، کشف کردیم، از باب گمان و تخمین است زیرا ما از درک حضور کسی که علم و دانش نزد اوست [یعنی امام مهدی علیه السلام و ارواحنا فداه]، محروم و بی بهره هستیم. در کتاب احتجاج روایت شده است که شخصی نزد امیرالمومنین علیه السلام آمد و به آن حضرت عرض کرد: اگر در قرآن، اختلاف و تناقضی وجود نداشت، دین شما را می پذیرفتم! حضرت به او فرمود: آن اختلاف و تناقضی که می گویی کدام است؟ مرد گفت: من ملاحظه می کنم که خداوند می فرماید: قل یتوفاکم ملک الموت الذی وکل بکم (سجده، آیه ۱۱). (به آنها بگو فرشته مگر که بر شما گماشته شده، شما را می میراند). و در جایی دیگر می فرماید: الله یتوفی الانیفس حین موتها (زمر، آیه ۴۲) (خداوند است که روح مردم را، هنگام مرگشان، به تمامی باز می ستاند). الذین تتوفاهم الملائکه طیبین (نحل، آیه ۳۲). (کسانی که فرشتگان آنان را می میرانند در حالی که پاکیزه گانند). و امثال این آیات... بنابراین این خداوند گاهی عمل میراندن را به خود و گاهی به فرشته مرگ و گاهی به فرشتگان نسبت می دهد. امیرالمومنین علیه السلام فرمود: سبوح قدوس رب الملائکه و الروح،

[صفحه ۶۹]

تبارک و تعالی، هو الحی الدائم، القائم علی کل نفس بما کسبت. (خداوند منزه و

ستایش شده، پروردگار فرشتگان و روح، مبارک و بلند مرتبه است، او زنده همیشگی است، قوام هر کس با هر چه می کند، به اوست). [ای مرد] اگر در موارد دیگری نیز تردید داری بگو. مرد گفت: آنچه بیان کردی مرا بسنده است... امام علیه السلام فرمود: اما اینکه خداوند می فرماید: الله يتوفى الانفس حين موتها (زمر، آیه ۴۲) و يتوفاکم ملک الموت، (سجده، آیه ۱۱) و توفته رسلنا، (انعام، آیه ۶۱). الذين تتوفاهم الملائكة ظالمی انفسهم، (نحل، آیه ۲۸) و الذين تتوفاهم الملائكة طيبين...، (نحل، آیه ۳۲)... او برتر و بالاتر از آن است که این عمل را خود انجام دهد. کاری را که فرستادگان و فرشتگانش انجام می دهند، همان کار اوست، زیرا آنها به دستور او عمل می کنند، خدای عز و جل از میان فرشتگانش، فرستادگان و سفیرایی بین خود و بین آفریدگانش، برگزید و همانها هستند که درباره آنان فرمود: الله يصطفى من الملائكة رسلا و من الناس... (حج، آیه ۷۵) (خداوند از میان فرشتگان و مردم، فرستادگانی بر می گزیند)... آن دسته از مردم که اهل طاعت و بندگی اند، ستاندن جان آنها را فرشتگان رحمت بر عهده دارند، و آنان که اهل معصیت اند فرشتگان خشم و غضب، روح آنان را قبض می کنند، و فرشته مرگ (ملک

[صفحه ۷۰]

الموت) نیز از هر دو دسته فرشتگان رحمت و غضب یار و یاورانی دارد که به او امر او عمل می کنند و کار آنها کار اوست و آنچه را که انجام می دهند به او نسبت داده می شود. بنابر این، اگر کار این فرشتگان، همان کار فرشته مرگ

باشد، کار ملک الموت نیز همان کار خداست، زیرا خداوند توسط هر کس که اراده کند جانها را می ستاند، و بدست هر کس که بخواهد می بخشد و محروم می کند، پاداش می دهد و کیفر می کند، و عمل امنای او، همان عمل اوست. دوستم گفت: - یعنی معتقدیم که انبیاء و ائمه علاوه بر نقشی که در تبلیغ و ارشاد و هدایت دارند، در کارهای الهی، در طبیعت و اشخاص و جوامع نیز دارای نقش هستند؟ - قطعاً باید به این قضیه معتقد باشیم، چون آیات قرآن بر این معنا دلالت دارند، و روایات و سیره بطور صریح بیانگر این قضیه است. ولی ما حد و مرز و اندازه این نقش و جزئیات آن را نمی دانیم، ظاهر این است که اینها از اسرار خدای متعال است، چه اینکه خداوند بیشتر کارهایش را بر اسرار و حکمت های ناشناخته مبتنی ساخته است، تا آنجا که به پیامبرش موسی علیه السلام درباره آخرت فرمود: ان الساعه آتیه اکاد اخفيها لتجزى كل نفس بما تسعى، (طه، آیه ۱۵). برآستی قیامت خواهد آمد، می خواهیم آن را نهان دارم تا هر کس به آنچه می کوشد، پاداش داده شود). بنابراین این، وهابی ها حق دارند ما را متهم کنند که ما پیامبران و امامان

[صفحه ۷۱]

را شریک خدا قرار داده ایم! - خداوند از چنین نسبتی منزّه است. چگونه بر آنان رواست که ما را به چنین شرکی متهم سازند؟ آن هم بدین سبب که معتقدیم خداوند دارای چراغدان و چراغی فروزان در زمین است که مثال نور باری تعالی است، و هر سال در شب

قدر فرشتگان را بر او فرو می فرستد! - دوست عزیز، کسانی که مومنین را دانسته یا ندانسته، به شرک متهم می کنند، تو را محزون و ناراحت نکنند! از آنان بپرس: اگر بوسیله آیه و یا حدیث صحیحی ثابت شد که - خداوند متعال، بخشی از کارهایش را بوسیله فرشتگان و فرستادگان و اولیائش انجام داد، و ما آن را پذیرفتیم و بدان ایمان آوردیم، آیا مشرک هستیم؟! آیا فرموده خدای سبحان را نخوانده ای: قل ان كان للرحمن ولد فانا اول العابدین، (زخرف، آیه ۸۱). (بگو اگر خداوند رحمان فرزند داشت، من نخستین کسی بودم که او را عبادت می کردم) سبحان رب السماوات و الارض رب العرش عما یصفون، (زخرف، آیه ۸۲). (پروردگار آسمانها و زمین، و پروردگار عرش، از آنچه وصف می کنند منزّه است). به این معنا که ای پیامبر بگو من تابع و پیرو چیزی هستم که از ناحیه خدایم بیاید، اگر خداوند به من خبر دهد که او فرزندی دارد (نعوذ بالله) و به من دستور دهد فرزندش را عبادت کنم نخستین کسی هستم که این کار را انجام می دهم، ولی خداوند منزّه از چنین نسبتی است.

[صفحه ۷۲]

ما می گوییم: اگر دلیلی از کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ما را رهنمون شد به اینکه برخی از افعال الهی بواسطه فرشتگان یا پیامبران انجام می پذیرد، ما آن را به گوش جان شنیده و اطاعت می کنیم و بدان معتقد می گردیم و این، عین توحید است و به کسانی که ما را متهم می سازند می گوییم: قبل از این که مردم

را متهم کنید، توحید را درک کنید. آنان که ما را متهم می کنند، برای قائل شدن به توحید و یگانگی خدا، شرطی را بر خداوند قرار می دهند!! و آن اینکه افعال خدای عز و جل مستقیم و بدون واسطه باشد و یا اینکه فقط بواسطه فرشتگان انجام پذیرد، نه توسط انسانها و مخلوقات دیگر! ولی ما خدای تعالی را بدون قید و شرط، یگانه می دانیم، و افعال وی را به هر واسطه ای که انجام گیرد، می پذیریم، و طبق فرمایش امیرالمومنین علیه السلام بر این اعتقادیم که کار و فعل امنای الهی، همان کار و افعال خود اوست، کدامیک از این دو توحید، برتر و ژرف تر است؟ - بگذارید به اصل مطلب اول برگردیم که فرمودید: مدینه جایگاه حضرت صاحب الامر (ارواحنا فداه) است. براستی امام مهدی علیه السلام در مدینه چه می کند؟ و با چه کسی زندگی می کند؟ - همان گونه که خضر علیه السلام زندگی می کند - آیا سرگذشت موسی و خضر علیهما السلام را در قرآن نخوانده ای؟ - خوانده ام، ولی آیا همه علماء معتقدند که خضر علیه السلام پیوسته زنده است و روزی می خورد؟ - آری، روایات صحیحی به ما رسیده که خضر علیه السلام پیوسته زنده

[صفحه ۷۳]

است و به انجام امور خود می پردازد، و این معنا نزد بیشتر علمای اهل سنت نیز ثابت شده است. در کتاب مجموع النووی در مساله استحباب تسلیت خانواده تازه گذشته، نسبت به مصیبتی که بر آنها وارد شده است، استدلال علما به تسلیت گفتن خضر علیه السلام به اهل بیت پیامبر صلی الله

علیه و آله به مناسبت وفات آن حضرت صلی الله علیه و آله ذکر شده است. سرگذشت خضر را در قرآن بخوان، تا بدانی که آن حضرت از ناحیه خداوند به عملیات و انجام امور خاصی ماموریت دارد - اگر این تعبیر صحیح باشد - پیامبر خدا و حضرت موسی علیه السلام یک یا دو روز با او همراه بود و اموری را که صبر و تحمل آن را نداشت از خضر مشاهده کرد! از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: خداوند رحمت کند برادرم موسی را که نسبت به کارهای خضر، شتابزده عمل کرد، اگر شکیبایی نموده بود، امور شگفت آوری را از آن حضرت مشاهده می کرد! از این روایت بر می آید که قطعاً پیامبر ما که درود خدا بر او و فرزندان پاکش باد آن امور شگفت آور را دیده است! - این امور شگفت انگیز کدامند؟ - دوست عزیزم، مدیریت خداوند نسبت به مخلوقات، و ربوبیت او نسبت به ما، شباهت به گلوله یخی در آب دارد، که جز بخشی از آن آشکار نیست و نه دهم آن از چشم ما نهان است! هر مرحله پوشیده ای از اداره ناپیدای خداوند بزرگ، شگفت آورتر از مرحله قبلی بوده و فهم و درک آن سخت تر است، زیرا آنها بر طبق

[صفحه ۷۴]

قواعد و قوانینی خاص انجام می پذیرد، همچنان که به وسائلی عمیق تر از مرحله قبل به ظهور می رسد و آشکار می شود! و نمی دانم جایگاه پیامبر ما و آل او صلی الله علیه و آله از این مراحل کجاست، ولی می دانم

که آنان نور خدا در زمین اند و اموری را که خداوند اراده کند، بدست آنان انجام می پذیرد. - یعنی [کارهایی] مانند روزی دادن و مرگ و زندگی؟ - چه مانعی دارد؟ آیا می خواهی خدای متعال را منع کنی از اینکه کسی را به انجام کاری از کارهای خود بگمارد؟ و یا اعطای او نسبت به پیامبرانش را منع کنی؟ چه مانعی دارد که خداوند آنها را به امری از این امور دستور دهد و قدرت بر آن کار را هم به آنان عنایت کند، و آنها آن عمل را به دستور و اذن خدا انجام دهند، نه به دستور خود و قدرت خودشان، همانا آنان بندگان هستند که آفریده شده اند و حق هیچ کاری را از پیش خود ندارند و لکنهم عباد مکرمون لا- یسبقونه بالقول و هم بامرہ یعملون، (انبیاء، آیه ۲۷). (لکن آنان بندگان ارجمندند، در سخن بر او پیشی نمی گیرند، و همگی به فرمان او کار می کنند). - آیا هم اکنون غیر از خضر و امام مهدی علیه السلام کسانی هستند که مامور این نوع عملیات و امور ویژه باشد؟ - برخی از روایات می گوید: موسی علیه السلام فرمود: هنگامی که من و خضر کنار ساحل دریا بودیم، پرنده ای مقابل ما فرود آمد و قطره ای از آب دریا در منقار خود گرفت و به سمت شرق انداخت، بار دوم قطره ای برگرفت و به سمت مغرب پرتاب کرد، و بار سوم به سمت

[صفحه ۷۵]

آسمان و در چهارمین بار آن را به سمت زمین و بار پنجم آن را به دریا انداخت، من و

خضر از این کار در شگفت شدیم، و من در این باره از خضر سوال کردم، او فرمود: نمی دانم. در همین حال بسر می بردیم که ناگهان صیادی که در دریا مشغول صید بود متوجه ما شد و گفت: چرا نسبت به کار این پرنده در اندیشه اید؟ به او گفتم این چنین است. آن مرد گفت: من مردی صیاد هستم و اشاره آن پرنده را دانستم، ولی شما که دو پیامبر هستید، نمی دانید؟! گفتیم: ما جز آن چه خداوند عز و جل به ما یاد دهد، چیزی نمی دانیم. از این روایت و امثال آن می توان دانست که خداوند دارای تعداد زیادی اولیای مورد اعتماد است که هر یک از کارهایی را که اراده کند و بخواهد، بدست آنها انجام می پذیرد، و خدای متعال می فرماید: و لله جنود السموات و الارض، (فتح، آیه ۴ و ۷) - (لشکریان آسمان و زمین، از آن خداست). و ما يعلم جنود ربك الا هو، (مدثر، آیه ۳۱) (و لشکریان پروردگارت را جز خود او کسی نمی داند). ولی امام مهدی علیه السلام در لشکریان خدا و اولیاء او، دارای مقامی شامخ و موقعیتی برجسته است... - منظورت این است که حضرت مهدی علیه السلام برتر از خضر و آن صیاد است؟ - پیامبر ما صلی الله علیه و آله دانایتر از خضر علیه السلام است، ولی [حضرت محمد

[صفحه ۷۶]

صلی الله علیه و آله] از همه پیامبران بطور مطلق دانایتر و برتر است، و ائمه علیه السلام عترت پیامبر، و اوصیاء و وارثان علم او هستند، و طبیعی است که علم و دانش

وصی، با علم پیامبر، و علم نایب با علم و دانش منوب عنه، متناسب باشد، به این معنا که اگر ابراهیم علیه السلام از پیامبران قبل از خود آگاه تر و برتر بود، بطور قطع، اوصیای وی نیز از اوصیای پیامبران قبل برتر و داناترند، به همین دلیل ائمه ما برترین اوصیاء و داناترین آنهایند... بنابراین آیا در شگفتی از اینکه آنان آگاه تر از خضر علیه السلام هستند؟ مرتضی! از شما می پرسیم: آیا به راستگویی پیامبر صلی الله علیه و آله و عصمت آن حضرت اعتقاد داری؟! یعنی اگر پیامبر برای ما مقام و مرتبه خویش و اهل بیتش را بیان کند، آیا شما معتقد هستی که خیر دادن آن حضرت، صحیح و درست است و مشمول گفته خدای متعال می شود که فرمود: و ما ینطق عن الهوی، ان هو الا- وحی یوحی، (نجم، آیه ۳ و ۴). (رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچه را که به او وحی شده می گوید، نه از روی هوا و هوس). و یا اینکه تو هم مانند برخی از (مسلمانان) می گویی پیامبر از جنس بشر است، و در حالت خشنودی و خشم سخن می گوید و گاهی خود و اهل بیتش را بیش از آنچه شایستگی دارند، مدح و ستایش می کند؟؟!! - معاذ الله که من چنین سخنی بگویم: بلکه می گویم، آن حضرت در تمام سخنان خویش از ناحیه خدا حمایت شده و از روی هوس

[صفحه ۷۷]

سخن نمی گوید. - بنابراین برای شما باید روشن باشد که روایات ثابت و قطعی حاکی از این است که مساله پیامبر

و اهل بیت او، و مساله ای است که از ریشه و اساس دارای مزیت و برتری است، و خداوند قبل از آن که آدم را بیافریند و از روح خود در آن بدمد، نور محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را آفرید!! من این روایات را در منابع خودمان دیده بودم و سپس آنها را در مصادر اهل سنت نیز یافتم، و همچنین در تالیفات برخی از مولفین، که تا آنجا که بتوانند از ارزش و اهمیت اهل بیت علیهم السلام می کاهند. و اخیراً این موضوع را در مروج الذهب مسعودی خواندم که آن را در مقدمه کتاب خود آورده است، وی طبق عادت مورخین، از آغاز آفرینش جهان، سخن به میان آورده است، و حدیث آفرینش نور محمدی صلی الله علیه و آله قبل از خلقت آدم را نقل کرده است، که خود، دلیل بر این است که این روایات نزد مورخین نیز معروف بوده است. مسعودی در جلد اول تاریخ خود صفحه ۳۲ می گوید: این روایت، از ابی عبدالله جعفر بن محمد، از پدرش محمد بن علی، از پدرش علی بن حسین، از پدرش حسین بن علی، از امیرالمومنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه نقل شده است، که فرمود: آن گاه که اراده خداوند تعلق گرفت که انسانها را بیافریند و اشیاء جدید را ایجاد نماید، قبل از گسترش زمین، و برافراشتن آسمان، خلق را به صورتها و اشکالی چون ذره های پراکنده قرار داد، او در یگانگی ملکوت و جبروت خویش اجازه داد شعاعی از نورش بتابد، و درخشید. و

[صفحه ۷۸]

شعله ای نورش

به درخشش آمد، و سپس آن نور میان آن صورتها و اشکال نهانی جمع شد و متناسب صورت پیامبر صلی الله علیه و آله، گردید. آن گاه خداوند عز و جل فرمود: تو، فرد انتخاب شده و برگزیده ای، و خزائن نور من و گنجینه های هدایتم نزد توست، به خاطر تو زمین را مسطح می سازم و آب را به حرکت در آورم و آسمان را بر می افرازم، و پاداش و کیفر، و بهشت و دوزخ را قرار خواهم داد، و اهل بیت تو را برای هدایت [مردم] منصوب می کنم و از خزائن علم و دانشم به اندازه ای به آنان اعطاء می کنم که هیچ نکته دقیقی بر آنان دشوار نیاید، و هیچ نهانی آنها را به خستگی و اندازد، آنان را حجت بر مخلوقاتم قرار می دهم که مردم را به قدرت و وحدانیت من متوجه سازند، و آن گاه خداوند آنها را به ربوبیت و اعتقاد به وحدانیت خویش در [عالم ذر] شاهد و گواه گرفت، و پس از آن که این شهادت را از آنان گرفت، وجدان خلق را با انتخاب محمد و آل محمد مشوب و آمیخته کرد [یعنی زمینه انتخاب آنها را در ذهنشان بودیعه گذاشت] و بدانها نشان داد که هدایت با اوست، و نور از آن اوست، و امامت در آل اوست، تا سنت عدل و داد مقدم گشته و اتمام حجت و قطع عذر شده باشد. سپس خداوند آفریده هایش را در پرده غیب خویش نهان ساخت و آن را در گنجینه علم خودش مستور نگه داشت و سپس عوامل را ایجاد کرد

و زمان را گسترش داد و آب را حرکت بخشید و بر آن کف ظاهر کرد و دود را متصاعد ساخت و عرش او بر آب شناور گردید، و زمین را بر پشت آب مسطح گردانید [و از آب دود و بخاری ایجاد کرد

[صفحه ۷۹]

و آن را آسمان قرار داد] و سپس از آنها خواست تا به اطاعت وی در آیند و هر دو - زمین و آسمان - تن در داده و تسلیم شدند و فرمان بردند. سپس خداوند، فرشتگان را از انواری که ایجاد کرده و ارواحی که ابداع نموده بود، ایجاد کرد و نبوت محمد صلی الله علیه و آله را به توحید و یگانگی خویش مقرون ساخت، و این نبوت قبل از بعثت حضرتش در زمین شهرت آسمانی پیدا کرد، و آن گاه که آدم را آفرید، برتری او را بر فرشتگان هویدا ساخت. و آنچه را که از اختصاصات و ویژگیهای او بود به فرشتگان نمایاند، از جمله علم و دانش سابق او، آن گاه که خداوند از او خواست نام اشیاء را به فرشتگان خبر دهد، وی را معرفی نمود. خدای سبحان آدم علیه السلام را محراب و کعبه و باب و قبله ای قرار داد و نکو کاران و ارواح نیره را به سجده بر آن واداشت، و سپس آدم را بر ذخائر خویش آگاه ساخت و پس از آن که او را در نزد فرشتگان امام و قدوه، قرار داد، برایش اهمیت آن انوار [مقدسه] را منکشف ساخت. بهره آدم از خیر، همین بود که حامل نور ما بود، و پیوسته خداوند نور را زیر پرده زمان

نهان ساخت، تا اینکه محمد صلی الله علیه و آله را در وراء فاصله های بین پیامبران برتری بخشید، و مردم را از حیث ظاهر و باطن و نهان و آشکارا، فرا خواند، و این فرا خوانی یاد آور عهد و میثاقی بود که در عالم ذر قبل از نسل سپرده بود. آن کس که با او سر سازگاری و موافقت داشت و از مشعل فروزان نور عالم ذر، پرتوی بر می گرفت، به سر و نهان او هدایت می گشت، و امرش واضح

[صفحه ۸۰]

می شد، و آن کس را که غفلت فرا می گرفت، سزاوار خشم و غضب بود. سپس آن نور به اصلاّب ما منتقل گردید و در وجود ائمه ما درخشید، بنابر این ما انوار آسمانی و زمینی هستیم، راه نجات بوسیله ماست، خزائن و گنجینه های علم و دانش از ماست، و سرانجام امور به ما ختم می شود، و بواسطه مهدی علیه السلام ما حجت های الهی پایان می یابد، او خاتم ائمه و آخرین آنها و رهایی بخش جهان است، و هدف نور الهی و مصدر کارهاست، بنابر این ما برترین آفریده ها و برجسته ترین موحدان و حجت های رب العالمین هستیم. گوارا باد نعمت، بر کسانی که بولایت ما متمسک شدند و به ریسمان ما چنگ زدند. (مانند این روایت در تذکره الخواص ابن جوزی حنبلی ص ۱۱ وجود دارد). بشنو مرتضی! خداوند متعال می فرماید: ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله فقد آتینا آل ابراهیم الكتاب و الحکمه و آتیناهم ملکاً عظیماً، (نساء، آیه ۵۴). (یا نسبت به آنچه که خداوند به مردم

عنایت کرده است، حسد ورزند، ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت و پادشاهی بزرگ عطا کردیم). درباره خضر می فرماید:
آئیناه رحمہ من عندنا و علمناہ من لدنا علما (کہف، آیه ۶۵).

[صفحه ۸۱]

(از نزد خود به او رحمت عطا کردیم و علم و دانش را از مخزن علم خود به او آموختیم). ولی آیا معتقدی (و گمان می کنی) که خدای متعال به خضر و آل ابراهیم بیش از محمد و آل محمد (صلوات الله علیہم) اعطاء فرموده است؟ هرگز! و لکن خدای سبحان در قرآن به آن تصریح نفرموده، زیرا فضائل محمد صلی الله علیه و آله و عترت او تا این پایه، و تا پایان دنیا، از نظر امت پیامبر و امتهای روی زمین، قابل تحمل نبود. و ملاحظه کردیم که حتی کمتر از این را هم نتوانستند تحمل کنند، و با اهل بیت پیامبر به شیوه ای خیلی بدتر، از برخورد یک حکومت با یک خانواده رقیب، معامله کردند. دوست عزیز! خضر علیه السلام وظیفه داشت به آنچه که از علم باطن بدان ماموریت دارد، عمل کند و موسی علیه السلام مکلف بود به علم ظاهر عمل نماید و پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان ما، وظیفه داشتند به علم ظاهر و باطنی که مامور بدان بودند عمل نمایند! - آیا از نظر عقل امکان دارد یک انسان مکلف باشد به علم ظاهر و باطن باهم؟ چرا که علم ظاهر و باطن نمی توانند حتی در مدت کوتاهی در سرگذشت موسی و خضر باهم باشند تا آنجا که خضر به موسی گفت: هذا فراق بینی و بینک. (کہف، آیه

(۷۹)!! - برادر مرتضی! آیا ممکن است در جیب شما پولی وجود داشته باشد و شما هم نیاز به خرج کردن آن داشته باشی ولی آن را خرج نکنی؟ - آری، ممکن است، ولی آیا این مطلب مثل آن است که انسان،

[صفحه ۸۲]

علم باطن را بدانند ولی به علم ظاهر عمل کنند؟ - بلی، شبیه آن است، ولی من یک سؤال دیگر از شما می پرسم: آیا امکان دارد که شما بدانی فلان دوستت امسال از دنیا می رود اما بر این آگاهی خود هیچ اثری مترتب نسازی، و برای او هیچ کاری نکنی؟ و آیا حاضر هستی بر دشمنی که دشمن جان توست صبر کنی، در حالی که می توانی او را در پیشگاه خدا نفرین کنی و دعایت مستجاب شود و خداوند او را هلاک گرداند؟ مقصود من از این سئوالات این است که اگر شما یک سلسله وسائل و ابزار غیر عادی در اختیار داشته و یا قدرت بر ایجاد معجزه داشته باشی، آیا حاضر هستی با اسباب و وسائل معمولی و قوانین مادی طبیعی زندگی کنی؟ - تصور نمی کنم قادر باشم، به همین دلیل است که می گویم امکان ندارد انسان بین علم باطن و عمل به علم ظاهر را جمع کند. - ولی پیامبر ما و اهل بیت او به کمک خدای تعالی و عصمت او، قادر بر این کار هستند، و تفاوت ما و آنها در همین است!! دوست عزیز، بلند شو که خیلی نشستیم... از آن روز به بعد دوستم درباره جایگاه و منزلت امام مهدی علیه السلام در پیشگاه خداوند و نیز از زندگی و کار

او، پیوسته از من سوال می کرد و این کار هر روزه او شده بود! به نشستن کنار دیوار بقیع برای مدتی طولانی خو گرفته بود... مدتی طولانی آنجا می نشست و می اندیشید و یا قرآن می خواند و یا خدای متعال را ذکر و تسبیح می گفت.

[صفحه ۸۳]

روزی او را دیدم آنجا نشسته، نزدش نشستم و به او گفتم: مرتضی! از عالم خودت برایم سخن بگو، به چه چیز می اندیشی؟ - شما برایم درباره فرود آمدن فرشتگان در شب قدر سخن بگویید، برنامه ای که آنها نزد صاحب الامر علیه السلام روحی فداه می آورند چیست؟ - مرتضی! من هم چیزی در این باره نمی دانم، فقط آنچه می دانم گفته خدای سبحان است که فرمود: تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر. (قدر، آیه ۱۵). و در روایت آمده است که عمر بن خطاب از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید، چرا وقتی که این سوره را می خواند، بیش از سوره های دیگر قلبش به رقت می افتد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله سوره را قرائت فرمود تا رسید به کلام خدای سبحان من کل امر و آن گاه به عمر فرمود: یا بعد از این چیز دیگری باقیمانده؟ عمر گفت: هرگز. این حدیث دلالت دارد که اوامر و امور فرود آمده در شب قدر بر قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله و یا قلب حجت خدا در زمین، دارای تنوع است. و روایاتی از ائمه طاهرين عليهم السلام رسیده که بر این معنا تاکید دارد و برخی جزئیات را یاد آور شده

است. - این مساله ای بزرگ است و من به این نتیجه رسیده ام که نیندیشیدن در آن بهتر است - آیا این گونه نیست؟ - البته اندیشیدن، ما را به شناخت اشیاء فراوانی رهنمون می شود،

[صفحه ۸۴]

ولی آنچه را که در شب قدر نازل می شود، نمی توان با اندیشیدن شناخت، و مکلف به آن هم نیستیم. آنچه بر ما لازم است این است که به فرموده خدای سبحان تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر با وجود عمومیت و اجمال آن، ایمان داشته باشیم. - پیرامون ۳۰ تن از یاران صاحب الامر روحی فداه که حضرت با آنان ملاقات می کند، در اندیشه بودم، به این نتیجه رسیدم که آن حضرت به هر یک از آنها بخشی از دستورات سنت را می دهد، و فرمان اجرای آن را صادر می فرماید - آیا این گونه نیست؟ - البته احتمال این هست، چنانکه احتمال دارد شیوه اجرای برنامه، با خود برنامه از ناحیه خداوند نازل شده باشد بنابراین برای ما امکان ندارد که روش و شیوه امام مهدی ارواحنا فداه را با فکر و اندیشه، دریابیم. - من در سرگذشت خضر، در قرآن اندیشه کردم، ملاحظه نمودم که محور کارهای آن حضرت، همراهی و مساعدت مومنین و خدمت به آنان در امور زندگی است، مانند: صاحبان کشتی که کشتی آنها را از مصادره رها ساخت، و دو نوجوانی که گنج آنها را حفظ کرد، و دفع ضرر و گمراهی از آنان، مانند دفع ضرر از پدر و مادری که جوان آنها تبهکار بود. همچنان که از داستان خضر علیه السلام

دانستم که وی شخصی جهانگرد است و در یک مکان ساکن نیست او در حقیقت سوار بر کشتی شد و آهنگ یک منطقه و یا مناطق متعددی کرد، و او در هر مکان، هدف و کاری داشت. بنابر این می توان گفت که کارهای صاحب الامر علیه السلام

[صفحه ۸۵]

و یاران او که جان من فدایشان باد، پیرامون خدمت به مومنین دور می زند، هم از جنبه مادی و هم معنوی، و اینکه آنان پیوسته در حرکت اند و در یک مکان استقرار ندارند. - آری، همین گونه است، درباره گنج دو نوجوان آمده است که آن گنج لوحی زرین بوده است که بر آن عمل و حکمت نوشته شده بود، بنابر این خدمت خضر علیه السلام برای آنان هم خدمتی در امر زندگی آنها بوده و هم در هدایتشان. - بنابر این معنای روایتی که می گوید: آنها در مدینه سکونت دارند، چیست؟! - مدینه، مقر اقامت آنهاست، و منافاتی با حرکت و رفت و آمد آنان ندارد. دوستم را، نشسته در کنار دیوار بقیع، به حال خود وانهادم، تا ببیندیشد و به ذکر خدای متعال، مترنم باشد.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

علی کورانی

ربیع الثانی ۱۴۱۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹